

حدیث پژوهی در نگاشته‌های مستشرقان

(حدیث شیعه، فقه الحدیث، کتابت و اسناد)

دکتر علی راد*

چکیده

میراث حدیثی مسلمین، دیر بازی است که از جمله محورهای مهم مطالعات غربیان در گرایش اسلام شناسی قرار گرفته است و تاکنون بررسی‌های متنوعی درباره جایگاه، خاستگاه، شیوه‌ها و فرآیند انتقال، سیر تاریخی، حوزه‌ها و مکاتب، منابع و جوامع حدیثی، فهم و نقد حدیث، روش‌ها و رهیافت‌های نوین حدیث پژوهی، توسط مستشرقان انجام شده است؛ تالیف نگاشته‌های متعدد، و ارائه نظریه‌های گونه‌گون در مباحث متعدد حدیث پژوهی در قالب صدها کتاب و مقاله، رهاورد تلاش غرب در طول سه قرن اخیر بوده است؛ مطالعات حدیثی مستشرقان، دامنه گسترده‌ای داشته و بررسی دیدگاه‌های فریق و مذاهب مختلف جهان اسلام، اعم از شیعه و سنی، در مسائل حدیثی، بویژه در موضوعات مورد اختلاف مذاهب، وجهه همت آنان بوده است و در قالب رویکردها و رهیافت‌های متنوعی همانند تاریخی فقهی، سیاسی، اجتماعی، تفسیری - تحلیلی و گاه عرفانی در مطالعات حدیثی ظهور کرده است. در این پژوهش به بررسی توصیفی دیدگاه‌های مهم غربیان در موضوعات حدیث شیعه، فقه الحدیث، کتابت و اسناد پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: مستشرقان، حدیث شیعه، فقه الحدیث، کتابت و اسناد حدیث.

درآمد

۱. در نظام فکری اسلام، حدیث بعد از قرآن، مهم‌ترین منبع شناخت شریعت و معرفت به شمار می‌آید. اهمیت و ضرورت بهره‌مندی از آموزه‌های حدیث، به عنوان یکی از میانی فکری، نزد دانشیان مسلمان در تمامی دانش‌های اسلامی، امری پذیرفته شده است؛ و از آنجا که اسلامی تلقی شدن یک دانش یا

* استادیار گروه قرآن دانشکده علوم حدیث قم.

۱. ر.ک: *مکانة السنة فی الاسلام: السنة النبویة الشریفة حقیقتها و مکانها عند المسلمین: السنة و مکانها فی التشریح الاسلامی.*

نظریه، در فرهنگ اسلامی، وابستگی شدیدی به تعلق و حضور حدیث، افزون بر قرآن، در بنیادهای نظری آن دارد،^۲ دانشوران مسلمان خود را بی‌نیاز از شناخت حدیث و مسائل آن ندانسته و همواره حدیث پژوهی را در قالب جریان پویایی، مورد توجه و اهتمام نظری^۳ و عملی خود قرار دادند، و از گذشته تا به امروز دستاوردهای حدیث پژوهی آنان در تارک تراث اسلامی می‌درخشد.^۴ این تلاش‌ها و کوشش‌ها خود دلیلی استوار و نشانی گویا بر پیش فرض اعتبار و حجیت حدیث نزد عالمان مسلمان دارد که مبتنی بر آن، به پژوهش در باره حدیث پرداخته‌اند.^۵

۲. در میان برخی از متفکران اسلامی در قرن دوم و نهم هجری^۶ و کم و بیش در دوره معاصر، حدیث پژوهی گاه با مسائل و شبهاتی همانند تشکیک در حجیت سنت^۷، قرآن بسندگی^۸، دوگانگی منبعیت کتاب و سنت^۹، عصری بودن سنت و ... رو به رو شد، و نقدها و پاسخ‌های از سوی موافقان و مخالفان را برتابید^{۱۰} که می‌توان از این جریان به عنوان چالش درونی کوتاه مدت حدیث پژوهی در جهان اسلام یاد کرد؛ با این که این جریان ریشه‌ای تاریخی و کهن دارد، لکن با استقبال چندانی مواجه نشد. ناگفته نماند که انگاره‌های انتقادی نسبت به حجیت و کارکرد حدیث بیشتر در جهان اهل سنت، ظهور و بروز داشته است. افزون بر چالش درونی مذکور، حدیث در بیرون از حوزه اسلام نیز با چالش دیگری رو به روست. این چالش نزدیک به سه قرن است که در غرب شکل گرفته و در قالب شبهات جدی در نگاشته‌های مستشرقان انعکاس یافته است. بی شک، کسانی که دغدغه حدیث پژوهی دارند ناگزیر خود را علاقه‌مند به آگاهی از دستاوردهای غربیان در حوزه حدیث می‌دانند.

۳. امروزه حدیث پژوهی در غرب، به یک گرایش علمی در مراکز دانشگاهی تبدیل شده و محققانی از غربیان را به پژوهش، تدریس و تالیف در این موضوع، به خود علاقه‌مند ساخته است.^{۱۱} بررسی فراوانی نوشته‌های نشر یافته مستشرقان در کتاب‌ها و نشریات چند دهه اخیر، نشانگر این مهم است که شمارگان نگاشته‌های آنان در حوزه مطالعات حدیثی، رشد چشم‌گیری داشته و روز به روز در حال افزایش است. در

۲. ر.ک: الحدیث النبوی و منزلته فی الفكر الاسلامی المعاصر؛ السنّة حجتها و مکانتها فی الاسلام و الردّ علی منکره.

۳. دانش‌های حدیثی؛ گذشته، حال، آینده، ص ۲ - 24.

۴. تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۱، ص ۱۲۳ به بعد.

۵. در باب نظریه اعتبار در علوم حدیث بنگرید: نظریه اعتبار فی العلوم الإسلامیة، ص ۲۶۵ - ۳۹۹.

۶. الام، ج ۷، ص 287؛ مفتاح الجنة فی الاحتجاج بالسنّة.

۷. آثار متعددی در اثبات اعتبار سنت در اندیشه اسلامی نوشته شده است، برای نمونه بنگرید: حجیة السنّة؛ السنّة النبویة حجیة السنّة؛ السنّة حجیة و تدویناً؛ السنّة بین الاصول و التاریخ.

۸. القرآنیون و شبهاتهم حول السنّة؛ جریان‌شناسی قرآن بسندگی در دو قرن اخیر نگاهی به شبه قاره هند و کشورهای عربی؛ الإسلام هو القرآن وحده (آراء و افکار)؛ رابطه متقابل کتاب و سنت، ص 207 - 221؛ نظریه السنّة فی الفكر الامامی الشیعی التکون و الصیرورة، ص 612 - 638.

۹. دوگانه انگاری منبعیت حجیت قرآن و سنت، ص 251 - 288.

۱۰. برای گزارشی جامع از این کوشش‌ها بنگرید: دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲، ص ۷۵۶ به بعد.

سوی دیگر، توجه و نقد آرای حدیثی مستشرقان، در بخش عربی زبان جهان اسلام، و با تأخیری نه چندان کوتاه در حوزه فارسی زبان، همانند ایران زمین،^{۱۲} مدتی است که موضوع مطالعات برخی از مراکز پژوهشی و محققان مسلمان، قرار گرفته است و می‌رود که با آسان شدن دسترسی به داده‌های علمی، در پرتو پیشرفت‌های جدید اطلاع‌رسانی و فناوری ارتباطات، به تعامل علمی پویا و دو سویه اسلام و غرب، در حدیث پژوهی بینجامد. راه اندازی نشست‌های حدیثی از سوی مستشرقان، همچنین حضور علمی آنان در کنفرانس‌های حدیثی اخیر جهان اسلام^{۱۳}، و تالیف آثاری در نقد آرای حدیثی غربیان از طرف دانشوران مسلمان، خود گواهی راستین بر درستی این ادعاست.^{۱۴}

۴. بی‌شک، در گفتمان حدیث پژوهی امروز جهان، نوشتن مقاله‌ای جامع و دقیق در موضوع یکی از مسائل حدیثی، بدون توجه کامل به میراث مسلمین و مستشرقان، نوشتاری ناتمام، جلوه خواهد نمود؛ بویژه اگر نویافته‌ها، دقت‌ها و نوآوری‌های محتوایی - روشی آنان، از دید پژوهشگر، مغفول بماند، سستی و کاستی پژوهش، بیشتر نمایان خواهد بود. از همین‌رو، حدیث پژوهان مسلمان دوره معاصر، خود را چندان بی‌نیاز از توجه به دیدگاه‌های مستشرقان نمی‌بینند و در هنگامه تحقیق، آرای آنها را از نظر می‌گذرانند؛ حتی گاه به سبب اهمیت مسأله، تبیین و نقد آرای آنان راه، فصل یا بخش خاصی از نوشتار خود قرار می‌دهند. آگاهی از دغدغه‌ها، شبهات، مسائل علمی و نتایج پژوهش‌های حدیثی مستشرقان، برای پژوهشگران و مراکز تحقیقاتی جهان اسلام، ضرورتی علمی و پژوهشی است و در پیشبرد طرح‌های حدیث پژوهی، راه‌گشاست؛ گاه آگاهی از موضوعات یک همایش پژوهشی مستشرقان، شبهات و تازه‌های نشر آنان، ممکن است در ذهن پژوهشگر مسلمان بارقه‌هایی ایجاد کند و او را به کاویدن مسأله و یافتن پاسخی درست و منطقی، به تکاپو وا دارد. همچنین آگاهی از میراث حدیث پژوهی غربیان، ضمن افزایش دامنه دانسته‌های تخصصی پژوهشگران مسلمان، می‌تواند از انتشار شبهات کاذب علمی در سطح جامعه

۱۲. رویکرد انتقادی به آرای حدیثی مستشرقان در ایران بسیار ضعیف است و تاکنون نهایت در حد ترجمه انعکاس یافته است. مشکل ترجمه‌ها نیز، ضعف آگاهی‌های تخصصی حدیث شناسی مترجمان و عدم احاطه آنان بر مبانی حدیث شناسی تطبیقی شیعی و سنی است که گاه باعث تعمیم ناروا اشکالات به حدیث شیعه و استنتاجات نادرست می‌شود، بویژه آن که بیشتر مترجمان با مبانی حدیث اهل سنت آشنایی چندان دقیقی ندارند.

۱۳. برای نمونه می‌توان از حضور آقای مایکل کوک با مقاله *A puzzling tradition about the qibla in the Kafi of Kulayni* در کنگره بین‌المللی تفه الاسلام کلینی (تهران - اردیبهشت ۱۳۸۸) و تالیف کتاب *hadith as discourse between qum and Baghdad - shiesm - twelver* توسط آقای Andre Newman و نقد آن در موسسه دارالحدیث یاد کرد (ر.ک: محدث، مرداد و شهریور ۱۳۸۵، ش ۱). همچنین برای آگاهی بیشتر از آثار غربیان در حوزه مطالعات حدیثی شیعه بنگرید: *شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان؛ گزیده آثار همایش بین‌المللی تشیع و خاورشناسان*.

۱۴. ر.ک: *المستشرقون والحدیث النبوی؛ المستشرقون و السنّة؛ ظاهرة الاستشراقیة و اثرها فی الدراسات الاسلامیة؛ مستشرقان و حدیث: نقد و بررسی دیدگاه‌های گلدزیهر و شناخت*. نگارنده در مقاله‌ای به توصیف و تحلیل پژوهش‌های انتقادی عرب زبانان نسبت به مطالعات حدیثی غربیان پرداخته است که به زودی نشر خواهد یافت. متأسفانه در حوزه نقد آثار حدیثی غربیان به زبان فارسی، نوشته‌های چندان مهمی نداریم و بیشتر گرایش ترجمه حاکم بوده و مقالاتی چند به طور پراکنده در مجلات و بیشتر در *فصلنامه علوم حدیث* وابسته به دانشکده علوم حدیث به فارسی ترجمه شده است و می‌توان گفته هنوز در آستانه ورود به این حوزه پژوهشی دست نخورده در ایران هستیم.

دانشگاهی، پیش‌گیری کند؛ پژوهشگران علوم حدیث، اگر از مسأله‌ها و شبهه‌های حدیثی رایج در میان مستشرقان آگاهی داشته باشند، در پاسخ به آنها گام‌های موثری بر خواهند داشت؛ نه آن که شبهه مذکور، در سطح جامعه آکادمیک ما فراگیر شده باشد، ولی جامعه پژوهشی ما از اصل صورت مسأله نیز بی‌اطلاع باشد و در مقام داوری دیر هنگام هم، با توجیه کمبود فرصت یا فقدان امکانات پژوهشی لازم، نتواند موضع منطقی در مقابله با آن اتخاذ کند. البته این نکته بدان معنا نیست که همه پژوهش‌های حدیثی مستشرقان، آکنده از شبهه افکنی و غرض‌ورزی است، بلکه مخاطب سخن در اینجا، تنها آثار جریان استشراق علمی^{۱۵} است که مبتنی بر روش منطقی و اصول علمی، پژوهش‌های حدیثی خود را سامان داده است؛ نه دیگر جریان‌های انحرافی استشراق، که به گونه‌ای در خدمت منافع غیر علمی و سیاسی بوده و به دنبال شبهه افکنی در جهان اسلام هستند.^{۱۶}

نوشتار حاضر قصد دارد دیدگاه‌های مهم و برتر مستشرقان، دغدغه‌ها و پیش فرض‌های آنان در مطالعات حدیثی را بشناساند و زمینه را برای ارزیابی و سنجش آنها فراهم سازد.

۱. حدیث شیعه

متأسفانه تا کنون مبانی و میراث حدیثی شیعه، به طور جدی و مستقل، مورد توجه و بررسی علمی مستشرقان قرار نگرفته است، و تنها نگاشته‌هایی پراکنده از آنان در باره حدیث شیعه نشر یافته است که متن برخی از آنها برای اولین بار در ایران در مجموعه‌ای گردآوری، طبقه بندی و به فارسی چکیده سازی شده است.^{۱۷} تنوع نسبی نگاشته‌های مستشرقان در بررسی حدیث شیعه، نشانه توجه آنان به ابعاد گوناگون حدیث شیعه است، همین ویژگی در دیگر عرصه‌های شیعه‌شناسی غربیان، البته با مقداری افراط و تفریط، مشهود^{۱۸} و در پژوهش‌های توصیفی - انتقادی آثار شیعه‌شناسی غربیان به فارسی نیز نمود یافته است.^{۱۹} رویکرد اغلب مقالات حدیث پژوهی غربیان در باره حدیث شیعه، رویکرد تاریخی^{۲۰} است که در پژوهش‌هایی چون روش شناسی، مطالعات رجالی، تاریخ حدیث،... نمود یافته است:

15. Scientific ORIENTALISM.

16. بنگرید: شرق شناسی؛ افتراعات المستشرقین علی الاسلام عرض و نقد؛ مستشرقون (سیاسیون، جامعین، جمع‌مبون)، ص 252.

17. بولتن مرجع مقالات مستشرقان و تاریخ حدیث/۴، دفتر اول حدیث شیعه، ج ۱. مجموعه مذکور در شماره‌های متعدد خود قصد دارد مقالات مهم و برتر مستشرقان در حوزه علوم و معارف حدیثی شیعه را به حدیث پژوهان فارسی زبان معرفی کند و آنان را با اهم دیدگاه‌ها و آرای غربیان در باره حدیث شیعه، آشنا سازد. این دفتر در نوع خود، نخستین مجموعه‌ای است که به انعکاس پژوهش‌های غربیان درباره حدیث شیعه می‌پردازد و تا کنون کتاب یا مجموعه‌ای را که به این مهم پرداخته باشد، نشر نیافته است. دفتر اول حدیث شیعه، حاوی تعدادی مقاله از نشریات معتبر علمی و برخی از کتاب‌های مستشرقان است که موضوع مشترک آنها حدیث شیعه است.

18. The Twelve Shia in Modern Times: Religious Culture & Political Culture؛ Shi'ism, Resistance, and Revolution.

19. گزیده آثار همایش بین‌المللی تشیع و خاور شناسان، ص 153 - 180؛ تشیع، هاینس هالم؛ تصویر شیعه در دایرة المعارف ایرانیکا؛ تصویر امامان شیعه در دایرة المعارف اسلام؛ شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان (1950 تا 2006م)؛ گذری بر مطالعات شیعی در غرب.

۱- روش شناسی

مطالعات روش شناسی^{۲۱} یکی از محورهای مورد علاقه مستشرقان در حدیث پژوهی است؛ در این گونه پژوهش‌ها، مستشرقان سعی دارند آثار مهم حدیثی مسلمین را مورد بررسی منهجی و ساختاری قرار داده، با یکدیگر مقایسه کنند، و تأثیر و تأثرات آنها را از یکدیگر بنمایاند. برای نمونه اصول اربعه^{۲۲}، *صحیفه سجادیه*، کتب اربعه، *المغازی* ابان بن عثمان و... از جمله آثار حدیثی شیعه هستند که در نگاشته‌های مستشرقان روش پژوهی و محتواشناسی شده‌اند؛ البته مراد از محتواشناسی، بیشتر ریخت‌شناسی ساختاری و توصیف سازواره درونی آثار است، نه بررسی تحلیلی درون مایه آنها، که تخصصی فراتر از دانسته‌های شیعه شناسی غربیان را بر می‌طلبد. از این رو، تا کنون اثری، با لحاظ این ویژگی پژوهشی، از مستشرقان توفیق نشر نیافته است، مگر آن که با اندکی تسامح، ترجمه برخی از آثار شیعی همانند *صحیفه سجادیه*، سخنان امام علی^{۲۳} و... به زبان‌های لاتین راه، از جمله این تلاش‌ها قلمداد کنیم. اصول اربعه^{۲۴} مقاله‌ای از اتان کلبرگ است که به بررسی جایگاه اصول چهار صد گانه حدیثی در اندیشه حدیثی امامیه پرداخته است. مقاله کلبرگ، پژوهشی در مفهوم اصطلاح اصل در علم الحدیث و تبیین چگونگی برخورد حدیث پژوهان با اصول روایی در ادوار مختلف تاریخ حدیث شیعه است که با نگاهی تاریخی، به گردآوری و تحلیل دیدگاه‌های اندیشوران شیعی در باره جایگاه و ارزش اصول حدیثی پرداخته است. کلبرگ در آغاز مقاله خود، به معناشناسی کلمه «اصل» و تفاوت آن با اصطلاح «کتاب» پرداخته و تفاوت‌های آن دو را با یکدیگر نشان داده است. اصل در تعریف وی، مجموعه خاص حدیثی است که تنها سخنانی - احادیثی - از امام را در بردارد که برای نخستین بار به نوشتن آنها اقدام شده است، در برخی موارد نیز، مؤلف «اصل»، احادیثی را گزارش می‌کند که خود مستقیماً از امام شنیده است. در موارد دیگر، اصل به راوی حدیث و آنچه که وی از امام شنیده، متکی است. همگی مؤلفان «اصل»ها، در دوره حیات ائمه می‌زیسته‌اند و گفته شده است بیشتر آنان، شاگردان امام جعفر صادق بوده‌اند؛ هر چند که تألیف اصول تا نسل بعد از وفات ایشان نیز تداوم داشته است. در نگاه کلبرگ عواملی چند، بحث را در باره کتب اصول مشکل کرده است. در باره شمارگان اصول نیز پربشانی وجود دارد. هویت مؤلفان اصول، همانند مسأله شمار آنهاست و در حال حاضر، به طور مشخص، اسامی کمتر از چهار صد نفر از آنان را می‌توان از منابع موجود، فراهم نمود. وی میزان اعتبار اصول نزد علمای اخباری و اصولی شیعه را گزارش کرده و در ادامه شماری از مؤلفان اصول و نسخه‌های موجود اصول در کتابخانه‌های ایران را معرفی نموده است. دیدگاه‌های مرحوم استرآبادی، شیخ طوسی، شهید ثانی، بهاء الدین عاملی و محمد باقر وحید بهبهانی در اعتبار اصل‌ها، و نقش علم رجال در فهم درجه توثیق مؤلفان، از دیگر موضوعات این مقاله است^{۲۵}. «سیرة اهل الکساء: نخستین منابع شیعی در باره زندگی‌نامه

20. Historical approach.

21. Methodology studies.

22. ر.ک: پژوهش‌های خاورشناسان در باره نهج البلاغه.

23. Al - Usul al - arbaumia, pp128 - 166.

24. Etan Kohlberg.

25. ترجمه فارسی مقاله را بنگرید: علوم حدیث، ش ۱۷، ص ۶۹ - ۱۲۳.

پیامبر^{۲۶} پژوهشی است گسترده از ماهر جرّار^{۲۷} که در آن به بررسی توصیفی *المغازی* ابان بن عثمان از منابع نخستین شیعی در سیره‌نگاری، پرداخته است؛ مغازی ابان بن عثمان، شکل و ساختار، روش، پیدایش المبدأ و الانبیاء، ولادت، بعثت و حیات پیامبر اسلام و مغازی علی بن ابراهیم برخی از سرفصل‌های اصلی مقاله جرّار را تشکیل می‌دهند. وی با پژوهشی توصیفی - انتقادی به معرفی و نقد منابع نخستین شیعی در سیره‌نگاری نبوی پرداخته است. کوشش جرّار در این مقاله، بازسازی مرویات منقول از کتاب *المبتدأء و المبعث و المغازی*، ابان بن عثمان از علمای مشهور امامیه است. وی اخبار و منابع ابان بن عثمان را مورد بررسی قرار داده، مطالب آن را با آثار واقدی و ابن اسحاق، مقایسه کرده است. جرّار معتقد است تاکنون در موضوع سیره و مغازی شیعی، اعم از زیدی، اسماعیلی و امامی، پژوهشی مستقل و قابل اعتماد، انجام نگرفته است. از دلایل این امر، می‌توان به عدم دسترسی به منابع نخستین شیعه در موضوع سیره و مغازی و عدم بررسی دقیق روایات سیره نبوی، از سوی شیعه یاد کرد. جرّار تأکید دارد که تا عصر امام باقر و شاگردان وی، شیعه تلاش جدی در ثبت سیره نبوی نداشته است و تا این دوره مطلب قابل توجهی در آثار شیعی، به چشم نمی‌خورد. در جوامع روایی شیعی پیش از قرن سوم، بر خلاف جوامع اهل سنت، تاریخ، سیره و مغازی فصل اختصاصی نداشته است تا این که در آثار کلینی، ابن بابویه و مفید، ظهور یافت. از این رو، منابع روایی نخستین، همانند *الکافی* کلینی و آثار حدیثی ابن بابویه و شیخ مفید، جزء نخستین منابعی هستند که برای اولین بار حجم قابل توجهی از روایات سیره را در خود گزارش کرده‌اند. همچنین تفاسیر قرآن همانند تفسیر علی بن ابراهیم قمی و زندگینامه‌های امامان از دیگر منابع شیعی در شناخت سیره نبوی به شمار می‌آید که مقداری از دانسته‌های مرتبط با سیره نبوی را در خود حفظ کرده‌اند. در این میان، *بحار الانوار* علامه مجلسی - که در نگاه جرّار منبعی بس مهم و اساسی در مطالعه حدیث شیعه است - در بررسی سیره نبوی بسیار کارگشاست؛ چرا که هفت جلد از آن به زندگی پیامبر اختصاص دارد. جرّار خواننده را در مطالعه منابع پیش‌گفته، به احتیاط فرا می‌خواند و دلایلی چند بر ادعای خود اقامه می‌کند: عدم ذکر منبع در بیشتر گزارش‌ها، عدم دلالت اسناد روایات به اخذ مستقیم از منبع اصلی، تحولات تاریخی منابع اولیه، پیوند دادن آیات و روایات به یکدیگر و ارائه آنها در قالبی جدید بدون لحاظ سیاق اولیه آنها و... از جمله دلایل وی به توصیه رعایت احتیاط در مطالعه منابع مذکور است.

ویلیام چیتیک^{۲۸}، در مقاله «مقدمه‌ای بر صحیفه سجاده»^{۲۹} به ساختارشناسی دعا‌های صحیفه پرداخته است. در نگاه چیتیک، *صحیفه سجاده* قدیمی‌ترین کتاب دعا در منابع اسلامی و یکی از برجسته‌ترین آثار معنوی اسلامی در قرون اولیه به شمار می‌آید. در منابع شیعی به *صحیفه سجاده*، «خواهر قرآن»، «انجیل اهل بیت» و «زبور آل محمد» نامیده شده است که عناوین مذکور حاکی از تجلیل جایگاه *صحیفه سجاده* است. بنا به سنت شیعی، امام زین العابدین ادعیه خویش را جمع

26. "Sīrat Ahl al - Kisā": Early Shī'ī Sources on the Biography of the Prophet, Biography of Muḥammad, pp. 98 - 153.

27. Maher Jarrar.

28. William C. Chittick.

29. The Psalms Of Islam, AS - SAHEEFATUL - KAAMILATUS - SAJJADEEYAH, pp7 - 33.

آوری کرده و آن را به فرزندان خویش به خصوص امام محمد باقر و زید بن علی (ره) آموخته و املا نموده است. متن *صحیفه سجادیه* در دوره‌های بعد، به طور گسترده‌ای در میان گروه‌های شیعی منتشر شده است. متخصصان حدیث معتقدند که متن *صحیفه سجادیه* متواتر است. بررسی تاریخی سندها و نسخه‌های مختلف *صحیفه سجادیه*، تحلیل محتوایی ساختار ادعیه و مناجات‌های موجود در *صحیفه سجادیه* مباحث بعدی مقاله وی است. چیتیک بر این باور است که ترتیب قرار گرفتن مطالب در متن صحیفه به ما اجازه می‌دهد که میان پنجاه و چهار دعا - که بدنه اصلی متن را تشکیل می‌دهند - و ادعیه اضافه شده - که شامل چهارده ضمیمه (از جمله دعا‌های روزهای هفته) و پانزده مناجات است - قایل به تمایز شویم. پنجاه و چهار دعای اصلی طراوت و وحدت غیر قابل انکاری در سبک و موضوع از خود نشان می‌دهند؛ در حالی که بخش‌های دیگر، بویژه بخش مناجات‌ها، نظم و ترتیبی معین و هنرمندی خود آگاهانه‌ای را به متن اصلی می‌افزایند که تواند نشانگر دخالت مؤلف دیگر باشد.^{۳۰}

مارسین کاوسکی^{۳۱} در مقاله «کلینی و الکافی: نخستین گزیده‌های حدیثی شیعه دوازده امامی»^{۳۲} به معرفی مجموعه گرانسنگ *الکافی ثقة الاسلام کلینی* (ره) پرداخته است. او در مقدمه مقاله خود، با اعتراف به این که تا کنون دیدگاه شیعه دوازده امامی، در باره احادیث پیامبر و امامان به طور شایسته و دقیق، از سوی مسلمانان و شرق‌شناسان پژوهش نشده، به معرفی جایگاه حدیث در شیعه و معرفی کلینی پرداخته است.^{۳۳} در دیدگاه وی *الکافی*، از نخستین کتب حدیثی شیعه، و جزء چهار کتاب معتبر حدیثی - فقهی مذهب امامیه است؛ کلینی در گردآوری، تنظیم و ارائه احادیث، دارای اصول و مبانی پیشینی بوده که در مقدمه وی بر الکافی بازتابیده است؛ روش شناخت کلینی، در بخش اصول فی *الکافی*، موضوع اصلی مقاله کاوسکی است. نویسنده تلاش دارد مبانی و روش کلینی در گزارش احادیث و زمینه‌های تاریخی پیدایش *الکافی* را، با استناد به مقدمه کلینی و منابع اسلامی - شیعی تحلیل کند. نشان دادن امتیازات و ویژگی‌های اسنادی و متنی بر اساس روایات کتاب العقل و الجهل، نمونه آزمونی کاوسکی، برای تبیین شیوه و ساختار کلینی در *اصول الکافی* بوده است. بررسی ویژگی‌های ساختاری و منهجی کلینی در گزارش روایات *الکافی* نقطه مشترک این مقاله با مقاله رابرت گلیو^{۳۴} است. آقای گلیو در مقاله «پیوند حدیث و فقه: مجموعه‌های رسمی احادیث امامیه»^{۳۵} به روش‌شناسی کتب اربعه حدیثی امامیه به همراه *المقنع* شیخ مفید پرداخته است. در نگاه وی در مذهب امامیه، اخبار امامان شیعه، یکی از منابع اصلی و مهم فقه، در کنار قرآن و احادیث پیامبر به شمار می‌آید. محدثان شیعی قرن چهارم و پنجم هجری، این اخبار را یک‌جا گردآوری نموده و به شکلی

۳۰. ترجمه فارسی مقدمه را بنگرید: علوم حدیث، ش ۴۱.

31. Marcin kowski.

32. ISLAMIC CULTURE, P 90 - 125.

۳۳. ترجمه فارسی مقاله را بنگرید: مجموعه مقالات فارسی کنگره بین‌المللی *ثقة الاسلام کلینی*، ج ۱، ص ۳۰۹ - ۳۴۹.

34. Robert Gleave.

35. BETWEEN HADITH AND FIGH: THE CONONICAL IMAMI COLLECTIONS OF AKHBAR, PP 350 - 382 .

فهرست‌وار و موجز، در کتب اربعه حدیثی ارائه نمودن. مجموعه این احادیث بعدها، به عنوان احادیث رسمی فقه امامیه، مورد توجه قرار گرفت. متفکران امامیه، به طور فزاینده‌ای به فقه و تبیین مسائل شریعت، ابعاد حکمی و فقهی دین، علاقه‌مند شدند و جامعان احادیث، روش‌های نوین گزینش، ارائه و دسته‌بندی را در آثار خود گسترش دادند. کتب اربعه حدیثی، به منابعی مرجع، برای فقیهان، در بررسی‌های فقهی، تبدیل شد. در مقاله گلیو، با نگرش تطبیقی^{۳۶}، مراحل مختلف پیدایش این جوامع بررسی شده، و با ارائه ادله مستند، تاثیرگذاری آن بر پدیدار شدن سنت فقهی در مکتب فقهی امامیه، تبیین شده است. احادیث باب تیمم کتب اربعه نمونه پژوهشی نویسنده مقاله، برای نشان دادن مشترکات و تفاوت‌های روشی کتب اربعه حدیثی شیعه، در ارائه احادیث بوده است.

۲ - ۱. مطالعات رجالی

مطالعات رجالی^{۳۷} مستشرقان با بررسی‌های رایج در میان محققان مسلمان از حیث موضوعی و روشی متفاوت است؛ غربیان معمولاً به بررسی جریان‌ها و پدیده‌های عام تاریخی تاثیرگذار در وثاقت و اعتبار روایان و احادیث، علاقه‌مند هستند تا پژوهش‌های سندی و مطالعات مربوط به جرح و تعدیل تک تک روایان؛ برای نمونه در مطالعات رجالی شیعه، مستشرقان به بازشناسی زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه‌های غلات و واقفه و تأثیر آن در حدیث شیعه تمایل داشته، و سعی دارند با رویکرد تاریخی، زمینه‌های پیدایش این دو فرقه در بستر تاریخی شیعه را بررسی کرده، و تعامل محدثان و رجالیان با آنها را تحلیل کنند. در کنار این، همچنین به بررسی ارزش‌گذاری جایگاه و روایات صحابه از منظر شیعه زیدیه توجه نشان داده‌اند. آرپی. بواچکلی^{۳۸} در مقاله «غلات نخستین شیعه»^{۳۹} با بهره‌گیری از روش تحلیل تاریخی و با استفاده از منابع متعدد شیعی و اسلامی، جریان غلات را در آینه تاریخ شیعه نگریسته، تبلور اندیشه‌های آنان در منابع اسلامی، بویژه روایات را بررسی نموده، و تعامل اندیشوران شیعی با افکار غالیان را با دقت گزارش کرده است. وی بر این نکته تأکید دارد که یکی از مسائل مهم در تاریخ شیعه به طور عام، و تاثیرگذار در تاریخ حدیث به طور خاص، نقش جریان غلات در انتقال مفاهیم اعتقادی - روایی است که به سبب خلأهای موجود در عصر معصومان، فرصت مناسبی یافتند تا برخی از آموزه‌های غیر اسلامی را در فرهنگ عامه شیعه، و بعدها در میراث مکتوب آن، به عنوان آموزه‌های شیعی وارد کنند. غالیان در کسوت محدث، اقدامات تزویری و جعلی فراوانی در نقل حدیث داشتند. از این رو، امامان شیعه، بویژه امام صادق، همواره روایان غالی را مورد نقد قرار دادند. بواچکلی ضمن تحلیل تاریخی زمینه‌های پیدایش غلات نخستین شیعه، در جستجوی منابعی است که آرا و عقاید غلات نخستین را معرفی نماید. به اذعان وی، پرداختن به تاریخ دوره آغازین پیدایش فرقه‌ها همیشه با مشکلات تحقیقی رو به روست. در این میان، غلات نخستین شیعه از نظر تحقیقات تاریخی، با کمبود پژوهش مواجه است و

36. Comparative theory.

37. Studies of Science Alrjal.

38. R.P.Buckely

39. journal of semitic studies, vol. 42, No 2.

چندان به زمینه‌های تاریخی پیدایش آن توجه نشده است. وی با اشاره به پدیده تکرر فرّق شیعی، تأثیر مسأله غیبت امام منتظر را در آن مهم می‌داند.

بواچکی به این نتیجه دست یافته است که غلات جزء آن دسته از فرقه‌های شیعی هستند که در عصر امامان شکل گرفته‌اند و موضوع غلات را می‌توان از سه منظر مورد مطالعه و بررسی قرار داد: نخست. بررسی فرقه شناسی به عنوان فرقه شیعی،

دوم. بررسی رجالی - حدیثی غالیان،

سوم. بررسی تاریخی غلات به عنوان یک پدیده نوظهور در بستر تاریخی امامیه.

با لحاظ این سه منظر، منابع مطالعاتی غلات و نقد آن نیز متنوع خواهد بود. بواچکی سه دسته منبع را به عنوان منابع تحلیل انتقادی غلات نخستین، معرفی میکند: کتب فرّق و نحل، رجال و تاریخ. وی با جستجوی در فرّق شیعی و سنی دیدگاه‌های رایج را در باره غلات با رعایت سیر تاریخی منابع و با تقدم آثار شیعی، گزارش کرده است. نکته مورد توجه وی در این بخش، استدلال‌ها و استنادات قرآنی متفکران اسلامی در نقد انگاره‌های غلات است. در منابع رجالی، نخست دیدگاه کشی و نجاشی را در باره راویان غالی گزارش و تحلیل کرده و در پایان نظر برخی از رجالیان اهل سنت را، همانند ابن حجر عسقلانی، متذکر شده است و برخی از محدثان را - که از سوی رجالیان شیعه متهم به غلو شده‌اند - معرفی کرده است. در نگاه بواچکی، اصطلاح غلات در منابع تاریخی متقدم شیعه کمتر به کار رفته است. نخستین زمینه پژوهش تاریخی وی در این عرصه، مواجهه طبری با غلات شیعه در کتاب *تاریخ الرسل و الملوک* بوده است و در ادامه به بررسی کتب تاریخی دیگری پرداخته است که به جریان غلات توجه داشته‌اند. بخش دوم مقاله وی زمینه‌های اعتقادی غلات است. در یک تحلیل، خیلی از دیدگاه‌های غلات مشابه نگرش مسیحیان، یهودیان و کافران است. بررسی زمینه‌های سیاسی و فرهنگی عصر امویان و عباسیان در شکل‌گیری و گسترش تفکر غالی‌گری در جامعه اسلامی از مباحث بعدی مقاله وی است.

مقاله «دو دستگی در شیعیان امام کاظم و پیدایش واقفه»⁴⁰ از بیوکارا⁴¹، به تحلیل تاریخی - فرقه شناختی علل و نتایج پیدایش واقفه در شیعه اختصاص دارد. پس از رحلت امام کاظم جامعه شیعی در مسأله امامت دچار تشکیک شد و گروه بزرگی به نام واقفیان با اعتقاد به توقف در امامت امام کاظم پیدا شدند. واقفه نمونه جدیدی از گروه‌های متعددی بود که پیش‌تر در موقعیت‌های مختلفی، مدعی غیبت چندین امام شیعی شده بودند. واقفیان برای ترویج باورهای واقفی و تحکیم موقعیت خود در جامعه، ادبیات وسیعی را - که عمدتاً به مسأله غیبت مربوط می‌شد - تولید کردند. در مقابل، آموزه غیبت در ارتباط با امام غایب (معصوم دوازدهم شیعه) از سوی حامیان امام رضا و شیعیان امامی دوره‌های بعد، به کار گرفته شد و از طرفی، دیدگاه‌های وکلای واقفی امام کاظم، الگویی برای فعالیت وکلای امام عسکری در اختیار آنها قرار داد. در آن زمان، گروهی به عنوان بشیریه به غیبت و مهدویت امام کاظم

40. Arabica, pp 78 - 99.

41. M.A.Buyukara.

معتقد بودند که به دلیل عقاید افراطی‌شان باید از واقفیه مشهور تفکیک شوند. در زمان امام رضا گروهی کوچک، به جای امام رضا، احمد بن موسی، پسر بزرگ امام کاظم، را به عنوان امام پذیرفتند و احتمالاً پس از اندکی از بین رفتند. پیوند اعتقادات واقفه با مقوله غیبت، رجعت و مهدویت از زمینه‌هایی است که می‌تواند در ارزیابی و سنجش احادیث این سه باب مهم اعتقادی شیعه، مهم جلوه کند و در ارزیابی راویان احادیث این باب‌ها مؤثر باشد. توجه به همین دو مقاله از مطالعات رجالی غربیان نشانگر این نکته است که آنان به فرقه‌های تاثیرگذار در احادیث اعتقادی امامیه، همانند روایات مهدویت و غلو، توجه جدی دارند و سعی می‌کنند به گونه‌ای وامداری تاریخی این روایات به انگاره‌های اعتقادی فرقه‌های مذکور را نشان دهند که البته باید در جای خود مورد نقد و واکاوی قرار بگیرد.^{۴۲}

۳-۱. تاریخ حدیث

جایگاه علمی - حدیثی امام باقر در حوزه شیعی و سنی، نقش روایات امام باقر در فقه شیعی، اصحاب امام باقر، حضور شاگردان و ناقلان امام باقر در حوزه‌های حدیثی، همانند کوفه، بصره و مکه... از موضوعات بحث شده دکتر لالانی^{۴۳} در «امام باقر در حوزه‌های اهل حدیث^{۴۴}» است، هدف اصلی وی بررسی تاریخی جایگاه فقهی - حدیثی امام باقر در حوزه‌های شیعی و سنی است. رویکرد وی در این مقاله کاملاً توصیفی - تاریخی است و اطلاعات گردآوری مستند را با روش‌های نوین نقد تاریخ به تحلیل و بررسی نشانده است. لالانی می‌کوشد نخست، جایگاه علمی - حدیثی امام باقر در حوزه‌های حدیثی غیر شیعی و سپس، در حوزه‌های شیعی معاصر آن حضرت، بررسی کند. لالانی، در آغاز به عظمت علمی امام باقر و بزرگداشت مقام ایشان از سوی دیگر دانشمندان اشاره و نمونه‌هایی از آن را گزارش می‌کند. وی از اعترافات سنگین دانشمندان معاصر امام باقر در بیان عظمت علمی ایشان، نتیجه می‌گیرد که آن حضرت در دوره حیات خویش، نه تنها شخصیت علمی مشهوری بوده، بلکه به مراتب از معاصران خود، بالاتر بوده است. این همه در شرایطی بوده است که در دو شهر بزرگ مکه و مدینه فقیهان، مفسران و محدثان بزرگی حضور داشته‌اند. لالانی با گزارش تاریخی روشن، خواننده را به فضای علمی حاکم در عصر امام باقر توجه می‌دهد و بر این نکته تأکید دارد که نقش امام در حدیث، بسیار برجسته و مورد اعتماد عالمان غیر شیعی بوده است. او در تبیین این موضوع از کتب رجالی غیر شیعه، بهره جسته است. با وجود شهرت و اعتبار حدیثی امام باقر، روایات منقول از ایشان در منابع حدیثی اهل سنت، آن چنان برجسته و مشهود نیست که مرجعیت وی را به عنوان یک محدث برجسته تأیید کند. این پرسشی است که لالانی در بخش دوم نوشته خود به دنبال یافتن پاسخی روشن بر آن است و با توجه به این که امام را عموماً به باقر العلم بودن می‌شناخته‌اند، از نقل محدود روایت از ایشان در آثار حدیثی غیر شیعی تعجب می‌کند. البته شرایط سیاسی و غلبه گفتمان علمی غیر شیعی در دوره امام باقر را، چندان

42. ر.ک: غلو و اهل غلو در فرهنگ شیعی.

43. ARZINA R. LALANI

44. این مقاله، فصل ششم از کتاب خانم لالانی با عنوان «Shi'i thought the teachings of Baqir - Muhamad al-Imam» است.

بی‌تأثیر در این مسأله نمی‌داند. در این میان، روایاتی از حضرت باقر در برخی از منابع حدیثی غیر شیعی از جمله در *الموطأ* مالک و *الرساله* شافعی، گزارش شده است.

مرجعیت حدیثی امام در نزد غیر شیعیان، تا حدی است که حضرت باقر را به مثابه منبع حدیث تلقی می‌کردند و مراسلات وی را در حکم موصول و قابل ردگیری به پیامبر می‌دانستند، هر چند که حضرت باقر گاه از جابر بن عبد الله انصاری به شکل محدود در اسناد روایات خود نیز یاد می‌کند. لالانی، فهرست تعدادی از روایان غیر شیعی امام باقر را گزارش می‌کند و تصریح دارد که فهرست ابن حجر در این موضوع کامل نیست، از این رو، فهرست ذهبی را بر آن می‌افزاید؛ وی از کلمه «و دیگران» در پایان فهرست ذهبی چنین نتیجه می‌گیرد که روایان حضرت باقر بیش از اینها بوده است. وی با مقایسه و دقت در اسامی فهرست ذهبی و ابن حجر به نکته مهمی خواننده را توجه می‌دهد و آن حضور اسامی دانشمندان برجسته در این دو فهرست است که هر یک برای خودشان حوزه تدریس داشتند، از جمله آنان زهری، اوزاعی، ابن جریج، اعمش، مکحول... است که هر کدام در دانشی از علوم اسلامی صاحب نظر، دارای تالیف و شاگرد بودند. تحلیل حضور این شخصیتها در حوزه علمی امام باقر دغدغه بعدی لالانی بوده است. جایگاه علمی و حدیثی امام باقر در حوزه شیعی، نقش روایات امام در فقه شیعی، یاران شیعی امام باقر، حضور شاگردان و ناقلان امام در حوزه‌های حدیثی همانند کوفه، بصره و مکه دیگر موضوعات پرداخته شده در این نوشتار است که با نگاهی نو به تاریخ حدیث عصر امام باقر و مبتنی بر شیوه‌های پژوهش و نقد تاریخ ارائه شده است.

مقاله «برخی از دیدگاه‌های زیدیه در باره صحابه پیامبر^{۴۵}» از اتان کلبرگ^{۴۶} از دیگر نگاه‌های غربیان است که می‌توان آن را در مطالعات تاریخ حدیث امامیه جای داد که به یک موضوع تاریخی - کلامی در مطالعات حدیثی یعنی عدالت صحابه، پرداخته است. کلبرگ در این مقاله تلاش می‌کند اثبات کند دیدگاه زیدیه در مورد جایگاه صحابه با نگره عدالت صحابه نزد اهل سنت در تعارض است و شاخه‌هایی از زیدیه برخی از اقدامات صحابه را قابل نقد و دارای اشکال دانسته‌اند، کلبرگ نظریه زیدیان را با دیدگاه اهل سنت در باره صحابه به مقایسه و تطبیق گذاشته است. وی در آغاز تذکر می‌دهد که تاریخ زیدیه و افزایش آگاهی‌های ما در باره فقه و عقاید آنها مرهون نتایج مطالعات شرق شناسانی چون آر. اشتروپلمان، ای. گریفینی، مادلونگ و دیگران بوده است. کلبرگ آثار متعددی از آنها معرفی می‌کند که موضوع اصلی آنها بررسی تاریخ و عقاید زیدیه و تفاوت‌های اعتقادی و فقهی این فرقه با دیگر مذاهب اسلامی از جمله شیعه اثنی عشریه است. قدمت این آثار به بیش از صد سال می‌رسد و این نشان از توجه جریان استشراق علمی به تاریخ زیدیه است. کلبرگ بر پایه نتایج تحقیقات مادلونگ در کتاب قاسم بن ابراهیم به معرفی زیدیه پرداخته است. در نگاه کلبرگ، مادلونگ در این کتاب به طور متقاعد کننده‌ای

45. BSOAS, Vo 39, No1, pp 91 - 98.

46. Etan.kohlberg

شیعه پژوه و استاد سابق دانشگاه جبرو: او درباره شیخ صدوق و نظریه تحریف قرآن، کتابخانه ابن طاووس، از امامیه تا اثنا عشریه و مقالات متعددی در دایره‌المعارف اسلام تألیفاتی دارد که برخی از آنها در کتاب تصویر امامان شیعه در دایره‌المعارف اسلام، ترجمه و نقد شده است.

نشان داده است که در آغاز مبانی معرفتی زیدیه در خیلی از مسائل، به طور قابل محسوسی، با معتزله تفاوت داشت، ولی سرانجام، همگی اصول اعتقادی معتزله را پذیرفت؛ لکن در همین زمان، شاخه‌های مختلف زیدیه به این اعتقاد اساسی شیعه در باب امامت همچنان باورمند ماندند که شخص امام باید از فرزندان علی و فاطمه (س) باشد؛ با این حال دیدگاه زیدیه، با نظریه شیعه دوازده امامی در مسأله امامت در برخی از ویژگی‌های مهم امام همانند عصمت، برتری در علم و... تفاوت دارد. برخی از فرقه‌های زیدیه، جهاد را برای امام واجب می‌دانند. امامیه ادعا دارند که همه امامان به طور معین از طرف خدا و پیامبر، برگزیده شده‌اند لکن امامان در باور زیدیان به امام علی، حسن و حسین () محدود می‌شوند. کلبرگ به تفاوت‌های اعتقادی زیدیان با امامیه در مسأله امامت پرداخته و تاکید می‌کند که تفکر زیدیه در این مسأله، نگاهی میانه از معتزله و امامیه است؛ این تفاوت در نگرش زیدیه، در سنجش منزلت صحابه تأثیر گذاشته است، از این رو نه به سان معتزلیان صحابه را می‌سنجند و نه همانند امامیه، صحابه را تحلیل می‌کنند. محققان زیدیه از شیعه رادیکال (بنیادگرایی افراطی) در سنجش و ارزش‌گذاری صحابه، تأثیر زیادی یافته‌اند تا معتزلیان؛ این مهم، معلول عوامل تاریخی و فرهنگی مختلفی است که جریان زیدیه با آن روبرو بوده است. کلبرگ سعی دارد گذرا و مجمل به این علل بپردازد. محققان زیدیه بر این عقیده اتفاق نظر دارند که صحابه در زمان حیات پیامبر با وفاداری و جانسپاری به اسلام خدمت کردند. همچنین مدعی هستند که امام علی جانشین برحق و شرعی پیامبر بود. اشکال صحابه این بود که به جای امام علی، ابوبکر را برای خلافت انتخاب کردند. زیدیه میانه رو، بر این اشکال چنین پاسخ دادند که انتخاب علی به سمت خلافت، چندان روشن نبوده است و نظریه نص خفی و نص جلی را مطرح کرده، انتخاب صحابه را اجتهادی تحلیل می‌کنند. تبیین تئوری انتخاب اجتهادی صحابه توسط شاخه جریریه از زیدیه مطرح شده و برخی از متکلمان زیدی گرا آن را پذیرفته‌اند. البته در این میان گرایش‌های سیاسی و قومی در انتخاب ابوبکر نیز دخیل بوده است که با نظریه اجتهاد در تعارض است. اتان کلبرگ، با استناد به منابع زیدی به خوبی این دیدگاه‌ها را گزارش و تحلیل می‌کند. نظریه مصلحت، انگاره دیگری است که برخی از زیدیان در تحلیل انتخاب ابوبکر به عنوان خلیفه مطرح کرده‌اند. اختلاف نظر در مسأله خلیفه پس از پیامبر باعث شد جامعه اسلامی بعد از رحلت نبوی به دو گروه تقسیم شود: گروه اول علی و پیروانش که قائل به امامت وی به دستور الهی و وحی قرآنی بودند و گروه دوم باقی مانده مردم همانند شتر سرگردان به بیراهه رفتند. طرفداران نظریه اجتهاد صحابه در انتخاب خلیفه، در زمره گروه دوم قرار دارند. تحلیل دیدگاه زیدیان در باره خلفای سه گانه و صحابه‌ای که طرفدار آنها بودند بحث بعدی کلبرگ در این مقاله است.

۲. فقه الحدیث

با درنگ در عناوین و شمارگان مقالات غربیان می‌توان گفت مطالعات فقه الحدیثی پس از بررسی‌های تاریخی، دومین عرصه حضور آنان در حدیث پژوهی به شمار می‌آید و علاقه‌مندان متعددی از مستشرقان را به خود جلب کرده است. البته مستشرقان به مباحث عام و نظری فقه الحدیث، همچون اصول و قواعد

فهم حدیث، منبع شناسی فقه الحدیث،... چندان پرداخته‌اند؛ لکن در فقه الحدیث موضوعی شاهد تنوع و تکثر مقالات آنان هستیم. موضوعات مورد مطالعه آنان را در گرایش فقه الحدیث می‌توان به زیر شاخه‌های ذیل تقسیم کرد:

الف. فقه و حقوق

ب. قرآن پژوهی؛ احادیث تفسیری

ج. سیره پژوهی؛ پیامبر، صحابه و معصومان

د. کلام و عقاید؛ احادیث اعتقادی، فرق و مذاهب، آثار روایی کلامی

ح. حدیث و جامعه شناسی

اینک به بررسی آثار غربیان در چند زیر شاخه مهم فقه الحدیث می‌پردازیم.

۱-۲. فقه و حقوق

موضوعات و مسائل فقه و حقوق اسلامی یکی از عرصه‌های جدی حضور مستشرقان در مطالعاتی شرق شناسی است که پیشینه‌ای دیرین و کهن داشته و مقالات متعددی از آنان در این عرصه به قلم آمده است. از لحاظ روشی رویکرد غالب مقالات غربیان در این حوزه، تاریخی و گاه تحلیلی - انتقادی است و موضوعات فقهی و حقوقی پرداخته شده از تنوع بر خوردار بوده است.

1-1-2. شرح الحدیث

شرح و بررسی روایات فقهی موضوع مقالات متعددی از مستشرقان است که سعی داشته‌اند به شرح و تفسیر روایت منتخب بپردازند. مستشرقان از قواعد فهم و تفسیر، روش‌های هرمنوتیکی و تاریخی در تحلیل احادیث سود جستند؛ از این رو، مراد از اصول فهم حدیث قطعاً همان اصول رایج در میان حدیث پژوهان مسلمان نیست و کاملاً به توان و دامنه اطلاعات تفسیری - تحلیلی مستشرق بستگی دارد، لذا از یک مقاله تا مقاله دیگر متفاوت است. موضوعات روایات منتخب برای شرح و تفسیر نیز از یک تنوعی برخوردار است و از علائق پژوهشی، رشته تحصیلی و دانسته‌های تخصصی مستشرق تاثیر پذیرفته است؛ نمونه‌های فراوانی از فقه سیاسی، جزایی، مسائل زنان، معاملات، اطعمه، عبادات،... در مقالات آنان به چشم می‌خورد. در حوزه فقه سیاسی می‌توان به مقالات بررسی فقه الحدیثی حدیث عشره مبشره، روایت «... مجدد رأس کل مأثنه» و تحلیل استناد خوارج به روایت «... و لو کان عبداً حبشياً» در عدم اشتراط قریشی بودن خلیفه اشاره کرد. مایا یازیگی⁴⁷ در مقاله «حدیث عشره مبشره» یا استفاده‌های سیاسی از یک حدیث⁴⁸ به بررسی فقه الحدیثی حدیث معروف «عشره مبشره» پرداخته است؛ تبیین نقش زمینه‌های تاریخی - سیاسی در جعل این حدیث و استفاده‌های سیاسی از آن در جریان خلافت، از اهداف

47. Maya Yazigi.

علاقه‌مند به مطالعه موضوعات اجتماعی و سیاسی در حوزه تاریخ اسلام. وی دوره‌های آموزشی مطالعات مذهبی در موضوعات متعددی چون ارث در اسلام، هنر در اسلام؛ تاریخ و معماری، زن در اسلام را در UBC گذرانده است. از وی مقالات متعددی در مباحث تاریخ اسلام با رویکرد حدیثی منتشر شده است. وی هم‌اکنون استاد دانشکده UBC دانشگاه کلمبیا است.

48. STUDIA ISLAMICA , No 86, pp 159 - 167.

اصلی نویسنده مقاله است که با تحلیلی مستند و روشمند ارائه شده است. در حدیث عشره مبشره - که در چهار کتاب از «صحاح ششگانه» اهل سنت گزارش شده است - حضرت محمد راهیابی ده نفر از صحابه‌ی خود «ابوبکر، عمر، عثمان، علی ابن ابی‌طالب، طلحه، زبیر، سعد بن وقاص، سعید بن زید، عبد الرحمن بن عوف، ابو عبیده جراح» به بهشت را بشارت داده است. بررسی زمینه‌های تاریخی - سیاسی ظهور این حدیث، پیوند محتوایی حدیث عشره مبشره با مسأله رهبری پس از پیامبر و بهره‌مندی از آن در منازعات سیاسی، بویژه در مسأله خلافت، از محورهای مهم در تحلیل این حدیث بوده است. در تحلیل یازگی، حدیث «عشره مبشره» از نظر تاریخی، پس از رحلت حضرت محمد ظهور کرده است، دقیقاً زمانی که جامعه اسلامی با مسأله جانشینی پس از پیامبر دست به گریبان بوده است؛ از یک سو، مهاجران مکی تلاش می‌کردند تا ادعای خود را مبنی بر انتخاب خلیفه از میان آنان تقویت کنند، و در سوی دیگر انصار مدینه تأکید داشتند خلیفه از گروه آنان انتخاب شود.

مفهوم «عشره مبشره» و احادیث هم‌گون آن، نشانه‌هایی از تصور جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر، نسبت به مسأله خلافت است، و این مسأله‌ای بود که توسط صحابه قریشی رقم خورد. در یک نگاه کلی می‌توان موضوعات طرح شده در مقاله حاضر را به دو بخش تقسیم کرد. بخش اول «بررسی سندی و متنی» حدیث «عشره مبشره» است که به تبیین نکات رجالی و ویژگی‌های متنی آن پرداخته شده است؛ تفاوت‌ها و مشترکات نسخه منقول حدیث «عشره مبشره» از عبدالرحمن بن عوف و سعید بن زید نوفلی، محبوبیت پسینی ده صحابه منتخب در حدیث «عشره مبشره»، مفهوم نمادین عدد ده «عشره»، پیش بینی اسامی خلفا، راویان و مروّجان حدیث عشره و... در شمار مطالب بخش اول قرار می‌گیرند. تحلیل «کارکردهای سیاسی» حدیث «عشره مبشره» مطالب بخش دوم مقاله است که نویسنده با رویکردی فقه الحدیثی به تحلیل نکات سیاسی حدیث پرداخته است؛ اغراض و توجیحات سیاسی اهل سنت مبتنی بر حدیث «عشره مبشره» در مواجهه با تفکر سیاسی شیعه و جریان‌های سیاسی تندرو، خلیفه اول و حدیث عشره مبشره، پیش بینی اسامی خلفا، قریش و بهره‌وری سیاسی از حدیث عشره،... از جمله این مطالب نوع است.

الا لاندو^{۴۹} در مقاله «بررسی روایت مجدد رأس کل مأثثة»^{۵۰} به تحلیل فقه الحدیثی روایت «أنّ الله یبعث لهذه الامّة علی رأس کل مأثثة سنة من یجدد لها امر دینها»^{۵۱} پرداخته است؛ در این روایت از مجدّدان مسلمان با عنوان اصلاح‌گران و احیاگران دینی امت اسلامی یاد شده است. نویسنده در تحلیل فقه الحدیثی روایت مجدد به یافتن پاسخی مناسب برای پرسش‌های ذیل متمرکز شده است: راز تجدید حیات دینی اسلام چیست؟ تجدید حیات دینی چگونه و از طریق چه فرآیندی شکل می‌گیرد؟ پذیرش تجدید حیات دینی، مستلزم نوعی کاستی در هدایت اسلامی نیست؟ بخش دیگری از مقاله نگاه

49. Ella Landau - Tasseron.

پژوهشگر و استاد دانشگاه. حوزه مطالعاتی وی تاریخ صدر اسلام و شخصیت پژوهی است. از آثار معروف وی می‌توان به بیوگرافی صحابه پیامبر و تابعان، تاریخ طبری و زیست شناخت صحابه اشاره کرد.

50. STUDIA ISLAMICA, No 70, pp 79 - 117.

۵۱. سنن ابو داوود، کتاب الملاحم، ج ۴، ص ۱۵۶.

منبع شناختی به ابوابی همانند باب ملاحم، باب الفتن دارد که حدیث تجدید در آنها گزارش شده است. از محورهای اصلی مقاله می‌توان به روایت تجدید «...من یجدد لها...» در منابع حدیثی، بازشناسی مفهوم تجدید در روایت، آرای مستشرقان و شارحان اسلامی در تفسیر حدیث تجدید، مجدّدان امت اسلام همانند عمر بن عبد العزیز، شافعی،... تجدید حیات دینی در برخی از کشورهای اسلامی و پیوند مجدّدان با شافعیسم اشاره کرد.

پتریشا کرونه⁵² در مقاله «درنگی در نقل یک روایت سنی» «...و لو کان عبداً حبشیاً»⁵³ به تحلیل این روایت در بیان عدم اشتراط نژاد و قبیله خاص، در انتخاب شخص خلیفه از اصول اندیشه سیاسی فرقه خوارج پرداخته است؛ خوارج بر پایه همین اصل، انحصار انتخاب خلیفه از میان قریشیان یا هاشمیان، همچنین صلاحیت نسلی و تباری را برای شخص خلیفه، قبول نداشتند. محور اصلی مقاله حاضر، بررسی مستند تاریخی و روایی این اصل در نگره سیاسی خوارج است. خوارج در تبیین چرایی الزام اطاعت از خلیفه، بر این باور هستند که انتخاب مسلمین به خلافت فرد منتخب اعتبار می‌بخشد و در پرتو این انتخاب مردمان باید از دستورات خلیفه اطاعت کنند؛ هر چند خلیفه یک برده حبشی باشد. تعبیر «برده حبشی» در این تعلیل، کنایه از عدم اشتراط نژاد و قبیله خاص در تبار و دودمان خلیفه است. این نگره خوارج، در درون خود، با نگره نص‌گرایی اسلامی در مسأله خلافت در تضاد است؛ مستند نص‌گرایان روایات منقول از پیامبر است؛ در این احادیث بر این نکته تأکید شده است که خلفای بعد از پیامبر همگی از قبیله قریش خواهند بود و گونه‌ای انحصار در سیاق این روایات وجود دارد. کرونه به دنبال یافتن پاسخ این پرسش‌هاست؛ راز تعارض روایات نبوی با عباراتی چون «أن نطیع الأُمیر حتی و لو کان عبداً حبشیاً» در چیست؟ چگونه می‌توان تعارض پیشین را بر طرف کرد؟ اسناد روایات دسته دوم از چه ویژگی‌های برخوردارند؟

در تحلیل کرونه از منظر دیگری مسأله معیار در انتخاب خلیفه را می‌توان چنین تحلیل کرد که خوارج، اصل «دموکراسی: میزان رای اکثریت مردم» را جایگزین اصل نص‌گرایی کردند. پیش زمینه‌های تاریخی، سیاسی و فرهنگی متعددی در موضوع احادیث خلافت و نگره خوارج در این مسأله، وجود دارد؛ نویسنده کوشیده است با پژوهشی تاریخمند و مستند به منابع اسلامی آنها را بکاود.

بازتاب مسائل زنان در احادیث اسلامی از دیگر عرصه‌های مورد توجه غربیان است که از منظرهای مختلفی بدان توجه نشان داده‌اند. بررسی مسأله جایگاه زن مسلمان در دوره آغازین شکل‌گیری تفکر اسلامی و ادوار بعدی آن دغدغه اصلی برخی از غربیان بوده است. برای نمونه نایبا آبوت⁵⁴ در دو مقاله

52. Patricia Crone.

پژوهشگر و استاد دانشگاه. حوزه مطالعاتی وی تاریخ اسلام و مطالعات تطبیقی اسلام، یهود و مسیحیت است. از آثار معروف وی می‌توان به کتاب *Hagarism: The Making of the Islamic World* اشاره کرد.

53. BSOAS, Vo 57, pp 59 - 67.

54. Nabia Abbott.

پژوهشگر سابق موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو. وی بیشتر در حوزه زن پژوهی و تاریخ صدر اسلام به تحقیق پرداخت. از ایشان تاکنون مقالات و کتابهای متعددی چاپ شده است. از آثار معروف وی کتاب «عایشه: محبوب حضرت محمد» Aisha: The Beloved of Mohammed می‌باشد.

زن و دولت در اسلام آغازین⁵⁵، با نگاهی تاریخی و مستند به گزاره‌های قرآنی و روایی، به تبیین جایگاه اجتماعی زنان در جامعه اسلامی و موقعیت سیاسی آنان در دولت، در صدر اسلام پرداخته است. قلمرو زمانی مد نظر آبوت، دوره حیات حضرت محمد، دوره خلفای راشدین و دوره بنی امیه بوده است. تبیین نقش پیامبر در احیای شخصیت زن عرب و تبیین منزلت زن مسلمان در نگاه قرآن و پیامبر، از مباحث مهم مقاله نخست وی به شمار می‌آید. وی در این مقاله نمونه‌های تاریخی متعددی از *طبقات ابن سعد*، *سیره ابن هشام* و منابع متقدم تاریخی در باره مواجهه و عملکرد مثبت پیامبر با مسأله حقوق زنان را گزارش نموده و به تحلیل نشانده است؛ گزارشات تاریخی موجود گواه این مهم است که پیامبر تلاش‌های جدی و زیادی در تغییر نگره جامعه عرب نسبت به جایگاه و حقوق زن انجام داد و تا حدی این تلاش‌ها به نتیجه رسید، لکن پس از رحلت پیامبر نوعی بی توجهی به مسأله زنان در میان برخی از صحابه به وجود آمد و بتدریج در عصر بنی امیه به شدت اوج خود رسید؛ در این دوره بنی امیه اعتبار و منزلت پیشین زن عرب در عصر پیامبر، در سایه استفاده‌های ابزاری از زن به خاطر مطامع دنیوی، به فراموشی سپرده شد.

در زمینه فقه جزایی می‌توان به مقاله جالبی در بررسی پیشینه فرهنگی رجم فرد زنا کار - از مسائل فقه جزایی - با عنوان «ابن قتیبه و میمون‌ها» اشاره کرد که مورد توجه مایکل کوک⁵⁶، از مستشرقان حدیث پژوه معاصر، قرار گرفته است. موضوع این مقاله بررسی فقه الحدیثی روایتی مربوط به زنا حیوانات و انجام حکم رجم از سوی میمون‌هاست؛ موضوع این روایت گزارش شده در کتاب *تأویل مختلف الحدیث* ابن قتیبه، داستانی است که مطابق آن گروهی از میمون‌ها، یک میمون مونث زناکار را سنگسار می‌کنند. راوی داستان - که خود شاهد وقوع آن بوده است - زمان آن را پیش از اسلام گفته است. کوک، مقاله خود را تفسیری دراز دامن بر متن این حدیث کوتاه از *تأویل مختلف الحدیث*، خوانده است. وی پیش از این که به سراغ داستان میمون‌ها برود، درون مایه آن را از منظر عقلانی تحلیل کرده و عوام‌گرایی و ساده‌اندیشی برخی از مسلمانان را، زمینه ساز زایش و بالندگی چنین احادیثی در فرهنگ اسلامی دانسته است. بررسی ریشه‌های تاریخی باورهای مذهبی دوره آغازین اسلام، نقش خردورزی و نقل‌گرایی در زایش باورها و پندارهای فرهنگی و مواجهه اسلام نخستین، پیشا مدرن و میانه با پدیده اختلاف باورهای فرهنگی رایج در جامعه از مباحث مقدماتی مقاله وی به شمار می‌آید. نویسنده در ادامه عصر ابن قتیبه را از لحاظ فرهنگی، اعتقادی و حدیثی مورد تحلیل قرار داده و به سراغ زمینه‌های نفوذ داستان گزاف، اسطوره و خرافات در باورهای عمومی رفته است و داستان سنگسار میمون در روایت ابن قتیبه را نماد نفوذ باورهای عمومی در حدیث دانسته است. بررسی آرای ابن قتیبه و دیگر حدیث پژوهان در توجیه این حدیث و تبیین نکات فقه الحدیثی آن محور اصلی مقاله وی بوده است.

55. NEAR EASTERN STUDIES, No1, pp 106 - 126; IBID, No3, pp 341 - 368.

56. Michael Cook.

استاد دانشگاه پرستون آمریکا؛ پژوهشگر تاریخ و فرهنگ اسلامی و مولف چندین کتاب و مقاله در حوزه حدیث.

در باب روایات مربوط به خوردنی‌ها نیز مقاله «پنیر مجوسی: مشکلی کهن در فقه اسلامی»⁵⁷ از مایکل کوک⁵⁸ بسیار جالب و خواندنی است. موضوع این مقاله بررسی تحلیلی - تاریخی روایات و آراء فقهی مذاهب اسلامی در مسأله پنیر مجوسی است که در روایتی پیامبر نسبت به جواز خوردن آن اظهار نظر کرده‌اند. هدف کوک از طرح این مسأله، انجام یک بررسی در حوزه فقه تطبیقی مذاهب اسلامی بوده و سعی داشته است به طور جامع به تحلیل و نقد دیدگاه‌های فرقه اسلامی در موضوع روایات پنیر بپردازد. مقاله با گزارش روایت ذیل از سنن بیهقی آغاز شده است: حضرت پس از فتح مکه، وقتی پنیر را دید از مردمان پرسید این - ماده خوردنی - چیست؟ مردمان گفتند: نوعی ماده غذایی است که در سرزمین عجم (ایران) آن را درست می‌کنند. پیامبر در ادامه فرمود: با کارد پنیر را برش بزنید و با یاد نام خدا آن را بخورید⁵⁹. نویسنده مقاله، موقعیت‌های زمانی - مکانی دیگری را گزارش می‌کند که بیانگر مواجهه نخستین پیامبر با ماده غذایی پنیر بوده است، لکن برخی از این موقعیت‌ها همچنان ناشناخته است. بررسی اعتبار رجالی اسناد روایات، روایات پنیر مجوسی در جوامع حدیثی شیعه و سنی، آرای فقهی مذاهب اسلامی، ادله و اصول و... از مباحث بعدی مقاله است. در بخش دیگری از مقاله به گزارش وجوه مختلف در باره نحوه ساخت پنیر مجوسی، آرای مکاتب فقهی سنی و شیعی در مورد مصرف پنیر، روایات شیعی و سنی در باب پنیر، منارعات و استدلال‌های مطرح پیرامون این مسأله پرداخته است.

2-1-2. اصطلاح پژوهی

اصطلاح‌شناسی محور دیگری است که در بررسی‌های فقه الحدیثی مورد توجه غربیان قرار گرفته است. مستشرقان بر اساس علاقه‌ای که به مطالعات نماد شناسی فرهنگی، زبان‌شناسی و فقه اللغه دارند، به چنین پژوهش‌هایی در معناشناسی اصطلاحات بنیادی روایات فقهی دست زده و مقالات جالبی را در این حوزه سامان داده‌اند. در مقاله‌ای، برخی از واژگان سوگند در زبان عربی همانند حنث، بر و تحنث - که در باب شهادت، سوگند و کفارات در فقه اسلامی کاربرد زیادی دارند - معناشناسی شده است. نرمن کالدر⁶⁰ در مقاله «حنث، بر و تحنث: جستاری در باب واژگان قَسَم زبان عربی»⁶¹ به تبیین دقیق گستره معنایی این واژگان با روشی تاریخی - تحلیلی پرداخته است. نویسنده از متون متعدد لغوی، روایی، تاریخی و فقهی در تبیین موضوع بهره جسته است. کلمه حنث در روایات و کتب فقهی بیشتر در باب قَسَم و نذر به کار می‌رود و از حیث موضوعی تنوع داشته و در باب طلاق و عبادات انواعی از آن دیده می‌شود. کیستر در مقاله خود در باره تحنث - که به پاس تالیف آن از وی تجلیل شد - حنث را برگرفته از ریشه تحنث و

57. BSOAS, Vo 4, No 3, pp 449 - 467.

58. Michael Cook

59. السنن، ج ۱۰، ص ۶۶

60. Norman Calder.

پژوهشگر فقه و حدیث. از ایشان مقالات و کتابهای متعدد در مجلات به چاپ رسیده است. وی از نویسندگان کتاب «Classical Islam» و «Interpretation and Jurisprudence in Medieval Islam» بوده است. رابرت گلیو شاگرد

کالدر در مقاله‌ای به معرفی اندیشه و آثار استاد خود پرداخته است. بنگرید:

Norman, Calder The Islamic Inheritance System, Robert Gleave Islamic Law and Society, Vol. 5, No. 3, pp. 283 - 284.

61. BSOAS, Vo 51, No 2, pp 214 - 239.

به معنای گناه گرفته است. موتگمیری وات نیز پیش از کیستر احتمال داده بود که تحنث، نقض عهد یا قصور در انجام سوگند باشد و عموماً بیشتر به عنوان گناه شناخته شده است، در روایات اسلامی نیز همین معانی از تحنث منعکس شده است. نُرْمَن می‌کوشد تا نشان دهد مستشرقانی چون کیستر و وات در مفهوم شناسی این واژگان دقت کافی نداشته‌اند و نوشته وی به گونه‌ای انتقادی استدراکتی بر دیدگاه‌های آن دو در این مسأله به شمار می‌آید. همچنین تحنث اصطلاحی است که در بیان احوالات عبادی - عرفانی پیش از بعثت پیامبر در برخی از روایات و منابع سیره نگاری اسلامی گزارش شده است؛ م.ج. کیستر^{۶۲} در مقاله «جستاری در باب معنای تحنث^{۶۳}» به دنبال یافتن جوهره معنایی این اصطلاح است. همچنین کلمه تحنث در شماری از احادیث مربوط به آغازهای بعثت حضرت محمد و آغاز وحی بر ایشان نیز استعمال شده است؛ سَنَت تحنث در میان قریشیان عصر جاهلی رواج داشته است. لغت‌شناسان و شارحان حدیث، واژه تحنث را به گونه‌های مختلف تبیین و تفسیر کرده‌اند و مستشرقان اقوال متعددی در تبارشناسی ریشه کلمه تحنث گفته‌اند. بازیابی مفهوم نخستین تحنث، پژوهشگر را در دستیابی به حقیقت معنایی و باورهای مبتنی بر آن یاری خواهد رساند و در مطالعه و بررسی موقعیت بعثت پیامبر و حالات پیش از نبوت وی، مفید خواهد بود. از لحاظ تاریخی، تحنث ریشه در آداب و سیره قریشیان دوره پیشا اسلامی دارد و در فرهنگ و زبان عربی به معنای دورگزیدن از مردمان برای خلوت معنوی به کار می‌رفته است. کلمه تحنث در حدیثی در سیره ابن اسحاق - ذیل بخش آغاز نبوت پیامبر - با اسناد عبید بن عمر بن قتاده لیشی و وهب بن کیسان ثبت شده است؛ در *صحيح البخاري* نیز این حدیث به اسناد عایشه نقل شده است. حدیث عایشه از جهات بسیاری با حدیث منقول در سیره ابن اسحاق متفاوت است. آقای کیستر کوشیده است ابعاد فقه الحدیثی این حدیث را تبیین کند و زمینه‌های تاریخی و تاثیر گذاری آن در تحلیل حوادث بعثت نبوی و لحظات آغازین وحی را نمایان سازد. کیستر در دهه هفتاد به دلیل نگارش مقاله «جستاری در باب معنای تحنث» مورد تقدیر قرار گرفت.

«در باب معنای احصان^{۶۴}» مقاله دیگری است از جان برتن^{۶۵} که به معناشناسی اصطلاح احصان - از اصطلاحات رایج در کتاب نکاح و طلاق - در پرتو روایات تفسیری و آرای فقهی مذاهب اسلامی پرداخته است. برتن، کوشیده است مسأله احصان را در فقه اسلامی با روش تاریخی و متن محور تبیین کند، که گاه رنگ توصیفی و گاه انتقادی به خود گرفته است. هر چند کلمه احصان در قرآن به کار نرفته است، لکن برخی از مشتقات آن همانند محصن و محصنه در برخی از آیات به چشم می‌خورد که محتوای آنها

62. M.J.Kister.

علاقه‌مند به مطالعات تاریخ پیش از اسلام و فرهنگ عصر جاهلی. از وی تا کنون کتابهایی چون: مطالعاتی در جاهلیت و اسلام نخستین، جامعه و دین از جاهلیت تا اسلام، مفاهیم و ایده‌های آغاز اسلام، و مقالاتی چون الحیرة، به چاپ رسیده است. او در آثار خود می‌کوشد پیوند و تاثیر پذیری آموزه‌های اسلامی از باورهای جاهلی را نشان دهد.

63. BSOAS, Vo 31, No2, pp 223 - 236.

64. Journal of semitic studies, Vo 19, pp 47 - 74.

65. John Burton.

جائن برتن به مطالعات قرآنی و حدیثی علاقمند است؛ کتاب معروف وی جمع قرآن است که در آن نظریه جمع قرآن در عصر پیامبر را تایید و اثبات کرده است.

حقوق زناشویی زوجین و احکام جزایی مرتبط به آن است. در روایات فقهی و آثار فقیهان نیز احصان و مشتقات آن بیشتر در مجازات زنا و تخطی در روابط جنسی به کار رفته است. در نگاه جان برتن، نوعی تنوع دیدگاه در تبیین اصطلاح احصان میان مفسران و فقیهان مسلمان وجود دارد. از این رو، آرای مختلفی در اصطلاح شناسی احصان در لغت و فقه اسلامی مطرح شده است. عدم رعایت شرط احصان در روابط زناشویی مجازات رجم را به دنبال دارد، لکن تحقق احصان شرایطی از جمله تاهل، اسلام، عدم عذر در استمتاع از همسر، و... دارد؛ رجم فاقد پشتوانه قرآنی در مصحف فعلی از قرآن است و آیه‌ای ناظر به آن وجود ندارد، اما برخی از صحابه در مرحله جمع و تدوین قرآن، ادعای قرآنی بودن دلیل اثباتی حکم رجم را نمودند، لکن به دلیل فقدان شاهد، ادعای آنان پذیرفته نشد. میان برخی از صحابه و گروه‌های خوارج و معتزله در خاستگاه مجازات رجم اختلاف جدی وجود دارد. تنها دلیل اثبات مشروعیت رجم، سنت فقهی است که جان برتن کوشیده است پیشینه تاریخی آن را از عصر پیامبر، صحابه تا عصر تابعان و ائمه مذاهب فقهی گزارش کند و توصیفی از رجم در ادیان مسیحیت، یهود و کتاب مقدس ارائه کرده است.

۳. جوامع حدیثی مسلمین: کتابت و اسناد

یکی از عرصه‌های مورد توجه غربیان در حدیث پژوهی، مسائل مربوط به زمینه‌های تاریخی پیدایش، شکل‌گیری و سازواره درونی و شیوه‌های ارائه احادیث در جوامع حدیثی مسلمین است که همواره برای آنان با پرسش‌هایی همراه بوده و خود پژوهش‌هایی را در صدد یافتن پاسخ به این پرسش‌ها انجام داده‌اند؛ سه مسأله کتابت، اسناد و روش از جمله مسائل مهم مطرح در باره جوامع حدیثی مسلمین است که معرکه آرای برخی از مستشرقان شده است؛ غربیان در بررسی مسائل سه گانه مذکور بیشتر به عصر صحابه و دوره تدوین جوامع حدیثی نخستین نظر داشته و منابع حدیثی متأخر، کمتر مورد توجه آنان در این موضوع قرار گرفته است. آشنایی با دیدگاه‌های مستشرقان در این موضوع می‌تواند در نقد آنها مفید باشد و زمینه را برای نقد و پاسخگویی به شبهات آنان برگشاید. در نگاه مستشرقان جوامع حدیثی نخستین و کهن مسلمین به لحاظ بررسی خاستگاه تاریخی احادیث از اهمیت زیادی برخوردار هستند و در تحلیل اعتبار تاریخی روایات و اثبات قدمت زمانی آنها، بسیار رهگشا هستند؛ برخی از مستشرقان همانند گلدزیهر و شاخت، سعی داشتند در اعتبار تاریخی روایات گزارش شده در منابع حدیثی قرن‌های سوم و چهارم هجری، تردید ایجاد کنند و احادیث آنها را متعلق به تاریخی دورتر از رحلت پیامبر و نزدیک به عصر محدثان و فقیهان نخستین، می‌دانستند. این دیدگاه و مبانی آن در دهه‌های اخیر از سوی برخی محققان مسلمان و غربی نقادی شده است.

۱ - ۳. کتابت حدیث

گلدزیهر^{۶۶}، شاخت^{۶۷}، و مایکل کوک^{۶۸}، از جمله مستشرقان مشهوری هستند که به موضوع بحث برانگیز «کتابت و نقل حدیث» در نوشته‌های خود توجه خاصی نشان داده و مقالاتی را در بررسی این مسأله نشر داده‌اند^{۶۹}. بررسی جریان کتابت حدیث در عصر صحابه، موافقان و مخالفان نگارش و نقل حدیث، انگیزه‌ها و توجیهات، از عمده دغدغه‌های آنان در این مسأله بوده است؛ روشن است که اختلاف نظر حدیث پژوهان اهل سنت، در تحلیل ممنوعیت و جواز نقل و نگارش حدیث در عصر صحابه^{۷۰}، زمینه توجه مستشرقان به این مسأله را فراهم ساخته است. گلدزیهر در مقاله خود از پدیده کتابت حدیث در تاریخ اسلام، با عنوان موضوعی مورد منازعه یاد کرده و مقاله‌اش را «منازعات در باره جایگاه حدیث در اسلام^{۷۱}» نامیده؛ و به بررسی دیدگاه‌های اسلامی مطرح در این مسأله پرداخته است. رویکرد مقاله گلدزیهر تاریخی - تحلیلی است و برخی از مطالب آن با اندکی اجمال و ایجاز به قلم آمده است، او از منابع و مصادر کهن اسلامی در پژوهش خود بهره جسته است. در تحلیل گلدزیهر زمینه‌های تاریخی پیدایش دو رویکرد متقابل منع و جواز نقل و نگارش حدیث، به دوره صحابه پس از پیامبر بر می‌گردد؛ در دوره‌های بعد اختلاف نظر مذکور صحابه، بر دیدگاه حدیث پژوهان مسلمان، تأثیر گذاشت و رفته رفته هر رویکرد طرفدارانی خاص خود را پیدا کرد. مطابق گزارش منابع کهن اسلامی، اختلاف نظر مبنایی صحابه در مسأله کتابت منجر به پیدایش دو دیدگاه شد؛ گروهی با احتیاط‌گرایی و ارائه توجیهاتی چند به نظریه اجتناب از نقل گراییدند و در مقابل، گروهی با اعتقاد به وحدت خاستگاه سنت نبوی با قرآن، و با استناد به ظاهر برخی از آیات قرآن، تبیینی وحیانی از اصالت سنت ارائه کردند و به نقل و کتابت آن اهتمام ورزیدند. گلدزیهر بر این باور است که ریشه این دو رویکرد به مسأله جایگاه حدیث در اندیشه اسلامی بر می‌گردد که از یک منظر بحثی کلامی و از منظر دیگر بحثی تاریخی است. برخی از اندیشوران مسلمان بر این باور بودند که قرآن، منبعی کافی برای دین اسلام است و با وجود آن، نیازی به سنت نیست؛ دیدگاه مقابل، سنت را گونه‌ای وحی قرآنی می‌داند که تبیین و تعلیم قرآن، در گزاره‌های آن متجلی است. بررسی ادله و مبانی این دو رویکرد و زمینه‌های فرا اسلامی نظریه منع و اجتناب نقل و نگارش حدیث موضوع اصلی بخش‌های اول و دوم مقاله گلدزیهر است. وی در بخش اول مقاله خود، تنها با استناد به برخی از گزارشات تاریخی موجود در طبقات ابن سعد از موضع گیری‌های برخی صحابه مشهور، گرایش نخست را به ابوهریره و گرایش دوم را به صحابه‌ای چون ابن مسعود، عمر بن خطاب، عبدالله بن عمر، صهیب بن سنان، زبیر بن عوام، سعد بن ابی‌وقاص نسبت می‌دهند که از گسترش بی‌پروایی در نقل حدیث بسیار بیمناک بودند، از این رو به ندرت، نقل حدیث از آنان گزارش شده است. نکته

66. Goldziher.

67. Schacht.

68. Michael Cook.

69. برای آگاهی از اصل مقالات هر سه بنگرید: بولتن مرجع مقالات مستشرقان و تاریخ حدیث/۲، ج ۱، ص ۱۱ - ۱۳۶.

70. ر.ک: منع تدوین الحدیث اسباب و نتائج.

71. Disputes over the Status of Hadith in Islam, pp55 - 67.

ای که گلدزیهر بر آن تاکید دارد، شناخت علل ترس طرفداران گرایش دوم از انتشار عمومی برخی روایات است که دستیابی به این علت‌ها در نقد حدیث، اهمیت و ارزش بسیاری دارند. گلدزیهر به طور غیر مسقیم، دو نوع علت را برای این ترس بیان کرده است: بیم از تحریف متن حدیث و تمایلات فرقه‌ای. هیبت حدیث، ترس از تغییر در الفاظ واقعی حدیث، اجتناب از اسناد به شخص پیامبر و رد قطعی گزارش حدیث بدون هیچ توجیه‌ای، از جمله مصادیق علت نخست هستند که در عبارات این افراد به چشم می‌خورد. برای علت دوم نیز سربسته و به طور اجمالی اشاره می‌کند که برخی از صحابه همانند عمر، خلیفه دوم، مایل نبود پاره‌ای احادیث - که با اقدامات مهمش ناسازگار بود - در میان مردم بیان شود. البته در نگاه گلدزیهر این قبیل گزارش‌ها در تضاد آشکار با احادیث فراوانی است که به نام این صحابه در مجموعه‌های مسانید فراهم آمده است. البته بیم از انتشار عمومی سخنان پیامبر با احتیاط فزاینده مستمعان نیز ارتباط دارد؛ مثلاً در امور قضایی، مردم خواهان دلیلی چون سوگند یا گواهی شاهدانی بر وثاقت حدیث بودند. این امر برای ما روشن می‌کند که چرا عباراتی مانند صیغه‌های سوگند یا دیگر قیود اطمینان بخش در آغاز متقولات حدیثی اولیه آمده است. گلدزیهر، در ادامه به تاثیر و اهمیت ادله گرایش احتیاطی در نقل حدیث، بر مخالفان ثبت احادیث به شکل مکتوب، پرداخته است؛ از نظر وی وقتی مسلمانان انتساب شفاهی سخنی به پیامبر را زنگ خطر می‌دانستند، مسلماً هراس ایشان از انتشار اخبار به شکل مکتوب بیشتر بوده است. افزون بر این، مطالب بسیار اندکی در دست بود که افراد مقید بتوانند انتساب را آنها به پیامبر با اطمینان بپذیرند. وی احادیث را از نظر موضوعی به دو دسته تقسیم می‌کند: احادیثی که موضوع آنها همانند احادیث احکام دیه، مرتبط با یکی از مسائل روزمره زندگی مسلمانان بوده است، عموماً صحیح تلقی شده و نوشتن آنها با مخالفتی مواجه نبوده است. از آنجا که مسأله دیات رویدادی عادی و مهم در زندگی روزمره اعراب بود، می‌توان تصور کرد که حضرت محمد نه تنها این نیاز را حس می‌کرد، بلکه به سبب رویدادهای واقعی حیات اجتماعی، لازم می‌دید مواردی را به احکام اندک قرآن در باب قتل نفس و کفاره آن، بیفزاید. در نتیجه، می‌توان احکام اصلی مربوط به دیه را - که در روایات فقهی اولیه آمده - در حقیقت، جزء متون اصلی حدیثی دانست. اما نوشتن سایر احادیث که مفادشان به طور مستمر وارد زندگی روزمره نشده بود، باعث نگرانی افراد محتاط بود. نقطه مقابل این گرایش، دیدگاه دیگری است که به حدیث به عنوان یک مصدر موثق فقهی در کنار قرآن، اعتبار دینی والایی قائل بود. در این دیدگاه تصور غالب بر این بود که وحی الهی به محمد با قرآن پایان پذیرفته است و گونه دیگر آن در قالب سنت نبوی، نمود یافته است و احادیث، ترجمان این سنت هستند. این نگرش برای کسانی که با دیده تردید، به روایات مکتوب می‌نگریستند، انگیزه خوبی بود تا مراقبت و احتیاط خویش را افزایش دهند و بر ضرورت جلوگیری از نشر گسترده روایاتی که وثاقت آنها ارزیابی نشده، بیفزایند. برخی از عالمان نیز از نشر احادیث مکتوب، سخت بیمناک بودند، زیرا احتمال می‌رفت، احادیث اعتبار و ارزشی به‌سان قرآن یابند. آیا می‌توان تصور کرد شکل‌گیری اعتقاد به «وحی نانوشته» در کنار قرآن، تأثیر پذیرفته از این باور یهودی باشد که خداوند، افزون بر ارسال تورات مکتوب از طریق وحی، توراتی شفاهی نیز به موسی عطا کرده است؟ گلدزیهر در پاسخ به این پرسش بر این باور است که

رویدادهای تاریخ صدر اسلام این فرض را تأیید می‌کند، هرچند نمی‌توان با اطمینان در این باره حکم داد. وی اخباری را گزارش می‌کند که همگی بیان‌گر نگرانی خاص برخی از صحابه در باب کتابت حدیث است، نگرانی از تبدیل احادیث به نوعی میثنا در عرض قرآن، که در این صورت، احادیث به مکتوبات فقهی غیر قرآنی تبدیل و از اعتباری الهی برخوردار می‌شدند؛ اما این منقولات - احادیث فقهی - چنان وثاقتی نداشتند که بتوانند قانون‌گذاری را توجیه کنند. مستند تاریخی ادعای گلدزیهر، اقدامات برخی صحابه همانند عمر بن خطاب است که از مردم خواست، احادیثی را که کتابت کرده‌اند، نزد او ببرند، و چون این کار را کردند، دستور داد نوشته‌های حدیثی مردمان را بسوزانند، سپس در توجیه اقدام خودش گفت: آیا شما واقعاً می‌شنایید (واژه عربی شبیه واژه آرامی «مَثْنِیْتَا») مانند میثنای یهود می‌خواهید؟ در قرن دوم و سوم هجری نگرانی‌های موجود دوره‌های پیشین نسبت به نقل و کتابت حدیث، خیلی زود از میان رفت. در این دوره، دیدگاه سنتی و رایج در جامعه اسلامی، از جهات گوناگون به ارزش و اعتبار حدیث مکتوب ایمان آورد و به دنبال آن اصل برابری اعتبار قرآن و حدیث در مکاتب کلامی قرن دوم و سوم هجری پایه‌گذاری شد، این اعتبار برابر، تا آن‌جا پیش رفت که گاه از امکان نسخ قرآن با حدیث سخن گفتند؛ چه این که قرآن و حدیث، هر دو وحی الهی هستند. گلدزیهر با ذکر شواهد استنادی متکلمان اسلامی در اثبات دیدگاه «وحی دوگانه»⁷²، به تکمیل بحث پرداخته است. در نگاه وی ظاهراً صاحب‌نظران مدرسه حسن بصری از جمله قتاده بن دعامة در ارائه چنین شواهدی بسیار تلاش کرده است. تفسیر منسوب به قتاده ذیل آیه «وَ اذْکُرْنَ مَا یَتْلُو فِیْ بُیُوتِکُنَّ مِنْ آیَاتِ اللّٰهِ وَ الْحِکْمَةِ» با عبارت «قال من القرآن و السنة»، تفسیرهای تلمودی از نمونه‌های مشابه را به خاطر می‌آورد. در تفسیر قتاده «آیات» به «قرآن» و «حکمت» به «سنت» تفسیر شده است. همچنین مفسران از نحوه معرفی حضرت محمد در قرآن به آموزگار حکمت همانند آیه «و یُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَ الْحِکْمَةَ»، تعبیر «کتاب و حکمت» را به اعطای اعتبار و منشأ الهی یکسان سنت (حکمت) در کنار کتاب خدا، تفسیر می‌کردند. گلدزیهر نمونه‌های دیگری را گزارش و تک تک آنها را نقد می‌کند و در پایان نتیجه می‌گیرد آنچه ذکر شد، نفی قاطعانه هرگونه مصدر فقهی غیر قرآنی شبیه به مثناة یهود در اسلام را اثبات می‌کند و نشان می‌دهد که در مراحل نخستین تکوین اسلام، اصلاً آهنگ پذیرش چنین عقیده‌ای وجود نداشته است.⁷³ یوزف شاخنت در مقاله «ارزیابی مجدد احادیث اسلامی»⁷⁴، تاریخ کتابت حدیث و چگونگی فرایند انتقال آن از عصر پیامبر به دوره‌های بعد را، دارای تاثیر مستقیم در اعتبار سنجی و تاریخ گذاری پیدایش روایات فقهی دانسته است، و بدین منظور به بررسی تاثیر پدیده منع کتابت حدیث بر روایات فقهی - در مکاتب فقه اهل سنت - پرداخته است. در نگاه شاخنت، از آنجا که قرن نخست هجری، در پژوهش‌های تاریخی اهل سنت، دوره منع کتابت حدیث به شمار می‌آید و آغاز نگارش حدیث به سده‌های دوم و سوم هجری بر می‌گردد، ضروری است که در ارزیابی احادیث، شواهد و حوادث تاریخی این دو قرن، به دقت

72. double revelation.

73. ترجمه فارسی مقاله گلدزیهر را بنگرید: *منازعات درباره جایگاه حدیث در اسلام*، ص ۱۸۵ - ۱۹۵.

74. A REVALUTION OF ISLAMIC TRADITIONS, pp 27 - 38.

بررسی گردد و بویژه، به اندیشه‌ها و باورهای روایان و کاتبان احادیث توجه شود. ساخت، در پی اثبات این ادعا است که جامعان احادیث فقهی در جوامع حدیثی، از اندیشه‌های شخصی و منطقه‌ای تاثیر پذیرفته‌اند، گاهی این تاثیرات ریشه در فرهنگ دوران قبل از اسلام دارد. وی در مقاله خود تلاش می‌کند، آرایبی را عرضه کند که به نظر خودش، ارزیابی مجدد احادیث اسلامی در پرتو دانش کنونی محسوب می‌شوند، اما ابا دارد از این که نتایج پژوهش خود را جدید، بی‌سابقه، یا قدیمی و شناخته شده بنامد. در این میان آرای حدیثی گلدزیهر از میان دیدگاه‌های مستشرقان، بیشتر مورد توجه و بررسی وی قرار گرفته است.^{۷۵}

هارالد موتسکی^{۷۶} در مقاله «مصنف عبدالرزاق صنعانی: منبعی برای احادیث قرن نخست هجری^{۷۷}» ضمن اشاره به نتایج روش گلدزیهر و ساخت در بررسی محتوای روایات فقهی و انتساب تاریخی آنها به دوره‌های بسیار متاخر از عهد پیامبر و عصر صحابه، تصریح کرده است که روش مذکور در دهه‌های اخیر از سوی برخی محققان مسلمان و غربی نقادی شده است؛ رویکرد روایی - تاریخی، روش گلدزیهر و ساخت را در کم ارزش دانستن اسناد و تاریخ گذاری احادیث، به نقد کشیده است؛ این رویکرد - که در مطالعات اسلامی غربیان از زمان پژوهش‌های یولیوس ولهاوزن شناخته شده بود - در تلاش است تا منابع اولیه‌ای را که به صورت آثاری مستقل حفظ نشده‌اند، از جوامعی که در اختیار است، استخراج کند. در این رویکرد، محقق به جای توجه به مجموعه احادیثی در یک موضوع خاص، به متونی که از روایان معینی رسیده است، می‌پردازد. آثار منبع شناسانه هربرت هورست، گئورگ اشتاوت، فؤاد سزگین و دیگران نشان می‌دهند که گلدزیهر و بویژه ساخت، بیش از حد، شکاکانه به اسناد نگریسته‌اند و خیلی عجولانه، مشاهدات موردی خود را، تعمیم بخشیده‌اند. با این همه، رویکرد روایی - تاریخی در معرض این خطر است که ارزش تاریخی اسناد را دست بالا بگیرد؛ همچنان که ساخت به درستی، در باره نوشته های لئون کایتانی بر آن تأکید ورزید. در این مقاله موتسکی، با توجه به رویکرد منبع شناسانه و رویکرد روایی - تاریخی، کوشیده است، نشان دهد چگونه و تا چه اندازه می‌توان از قابل اعتماد بودن سلسله روایان احادیث مطمئن شد؛ وی با تکیه بر رویکرد منبع شناسانه می‌کوشد اعتبار از دست رفته اسناد روایات فقهی را با یکدیگر احیا کند. وی به این منظور با مرور روایات *المصنف عبدالرزاق صنعانی* (۲۱۱ق) و بررسی منابع و مشایخ روایی وی، به این نتیجه می‌رسد که اعتبار اسانید روایات فقهی در متون کهن حدیثی بسیار بیشتر از تصور برجامانده از تئوری‌های ساخت و گلدزیهر است.^{۷۸}

75. ترجمه فارسی مقاله را بنگرید: *ارزیابی مجدد احادیث اسلامی*، ص ۱۱۸ - ۱۲۸.

76. Harald Motzki.

77. The Musannaf of Abd al - Razaq al - Sanani as a source of Authentic Ahadith of the Fersit Century A.H. pp 287 - 309.

78. ترجمه فارسی مقاله را بنگرید: *علوم حدیث*، ش ۴۰، ص ۹۵ - ۱۲۲.

مقاله مایکل کوک^{۷۹} با عنوان «مخالفان نگارش حدیث در صدر اسلام»^{۸۰} از مهم‌ترین و مفصل‌ترین مقالات نشر یافته غربیان در باب کتابت حدیث، است. وی در نوشتاری بلند، به تفصیل پیشینه تاریخی مسأله منع کتابت حدیث را مورد کاوش قرار داده، ادله و آرای مطرح در این مسأله را، تحلیل کرده است. این مقاله مایکل کوک در میان نگاشته‌های مستشرقان، می‌تواند منبعی مناسب برای شناخت نگاه استشراقی به جریان منع کتابت حدیث در عصر صحابه باشد. بخش اول مقاله وی، در حکم درآمدی بر بحث است که در آن به تبیین موضوع مقاله، پیشینه بحث، منابع پژوهش، روش و نکات مهم پژوه خود پرداخته است؛ وی با گزارش تاریخچه جریان نقل شفاهی و نقل مکتوب و طرفداران آن دو در صدر اسلام، و معرفی کتاب الحث علی حفظ العلم و ذکر کبار الحفاظ ابن جوزی، این بخش را آغاز کرده است؛ در نگاه کوک، دلیل تالیف این کتاب توسط ابن جوزی آن بود که معاصران کاهل خود را به کوشش بیشتر در حفظ حدیث ترغیب کند، چرا که ابن جوزی بر این اعتقاد بود که خداوند، مسلمانان را برگزیده است تا قرآن و حدیث را حفظ کنند، حال آن که مردمان پیش از اسلام همانند یهودیان، به منابع مکتوب وابسته بودند و توانایی حفظ کردن متون را نداشتند. وی در تحلیل اقدام ترغیب آمیز ابن جوزی، دو نکته اساسی «حدیث شناسی» را از آن استنتاج می‌کند؛ نکته اول اهمیت نقل شفاهی حدیث است، ابن جوزی، همچون دیگر محدثان مسلمانان، شفاهی بودن نقل حدیث را، چیزی بیشتر از فرصتی برای نمایش قوت حافظه می‌داند، زیرا تصور می‌کرد نفس وثاقت حدیث، به نقل شفاهی مستمر، وابسته بوده و نقل مکتوب و مجموعه مکتوبات حدیثی موجود، نمی‌توانست از چنین اعتباری برخوردار باشد. نکته دوم، مربوط به خلاً بعدی نقل شفاهی حدیث در عصر ابن جوزی است؛ ابن جوزی یک احیاگر بود و به سبب آن که در روزگار وی دانش حدیث بر کتابت تکیه داشت، برانگیخته شد تا بار دیگر بر ارزش حفظ حدیث تأکید کند.

شفاهی بودن نقل حدیث در دوره‌ای از تاریخ، مقبول همگان است، برای مثال نایباً ابوت بر نقل شفاهی حدیث سخت تأکید داشت، و دوره زهری (م ۱۲۴ق) را زمانی می‌دانست که در آن، چرخشی بزرگ از نقل شفاهی به نقل مکتوب صورت گرفت؛ نظریه ای که سزگین هم در نخستین پژوهش بزرگ خود آن را مطرح کرده است، هر چند وی، به حدیث منحصراً مکتوب «از آغاز» استدلال کرده است، اما هنوز این نظر بر ما مسلّم نشده است که خود پیامبر حدیث خود را به کتابت در می‌آورد. این نکته را نیز همگان قبول دارند که با تغییر حدیث از شفاهی به مکتوب، تا حدودی مخالفت و دشمنی می‌شده است؛ مخالفتی که پیشتر اشپرنگر در باره آن بحث کرده، و بعدها به دست گلدزیهر تا حدی حقیقتش ادا شد. وی با صحیح دانستن احادیث راجع به «کتابت حدیث از همان صدر اسلام»، بر شفاهی گرایان به سبب اتخاذ موضعی «بر خلاف حقایقی که بر آنها معلوم است»، خرده گرفته است. کوک مدارک دالّ بر وجود

۷۹. ایشان تاکنون چندین بار از موسسه علمی - فرهنگی دار الحدیث بازدید کرده و آخرین بار مقاله خود را با عنوان «حدیثی معماگونه در باب قبله در الکافی کلینی» در کنگره بین المللی ثقة الاسلام کلینی - اردیبهشت ۱۳۸۸ قرائت کرد. ترجمه فارسی مقاله در شماره ۵۱ مجله علوم حدیث نشر یافته است.

80. The Opponents of the Writing of Tradition in Early Islam, pp 437 - 530.

مخالفت با نگارش حدیث در بصره، در نیمه دوم سده دوم را بررسی کرده و بر این باور است که دشمنایی با کتابت حدیث، در مرحله‌ای پیش‌تر، در همه کانون‌های بزرگ آموزشی وجود داشته و گذشته از آن، روزگاری نظریه رایج بوده است. منابع اصلی که اطلاعات آمده در مقاله کوک بر آنها تکیه دارد عبارت‌اند از: *تقیید العلم* خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق)، *جامع بیان العلم* ابن عبدالبر (م ۴۶۳ق)، *طبقات ابن سعد* (م ۲۳۰ق)، *علل ابن حنبل* (م ۲۴۱ق)، *سنن دارمی* (م ۲۵۵ق). منابع دیگری هم هست تنها وقتی از آنها یاد کرده است که مطالب آنها به گونه‌ای مهم با آنچه از جای دیگر آورده است، اختلاف داشته باشند. منابع مذکور عبارت‌اند از: *کتاب العلم* ابوخیثمه (م ۲۳۳ق)، *المصنّف ابن ابی شیبه* (م ۲۳۵ق)، *المحدث الفاصل* رامهرمزی (م ۳۶۰ق)، *تاریخ ابوزرع دمشقی* (م ۲۸۱ق)، *المعرفة و التاريخ فسوی* (م ۲۷۷ق). کوک از منابع یاد شده، تقریباً همه مطالب تاریخی مربوط به اختلاف بر سر کتابت حدیث را نقل کرده است، اما به اقرار خودش این نکته در باره احادیثی که تنها به کتابت عملی حدیث دلالت دارند، صادق نیست، لکن از این احادیث تنها به دلیل ارتباط داشتن با اختلاف نظر در مسأله کتابت، بحث کرده است؛ چرا که بخشی از مستندات، اولین طرفداران کتابت حدیث، همین روایات تشکیل می‌دهند. کوک مسلماً انگاشته است که شمار انبوهی از ارجاعات به کتابت حدیث کهن، در تاریخی پدید آمده است که مسأله حل شده بوده و در باره تاریخ این اختلاف نظر چیزی برای گفتن به ما ندارند. انبوهی از چنین مطالبی را می‌توان در آثار درجه دومی که پیشتر گفته شد، یافت. کوک اذعان دارد که نخستین کسی نیست که در صدد باشد آگاهی‌هایی بیشتر از آنچه در منابع پیشین یاد شد، کسب کند؛ بیشتر مطالب وی بیشتر توسط العش در پانویس‌هایش بر کتاب «تقیید»، و در آثار درجه دومی که پیشتر به آنها اشاره شد، آمده است. همچنین اعتراف دارد که مسأله مخالفت با کتابت حدیث تنها در میراث حدیثی و تاریخی اهل سنت رد پا دارد و به وضوح اذعان دارد که تقریباً در منابع غیر سنی، با چیزی که به این بحث ربط داشته باشد، مواجه نشده است. شفاهی‌گرایی محدثان کهن کوفی، به ظاهر در میان امامیه و زیدیه ردپایی باقی نگذاشته است، درست به همان سان که شفاهی‌گرایی محدثان بصری ظاهراً به ندرت در ادبیات اباضی بازتاب یافته است.^{۸۱}

۲-۳. اسناد

نزد محدثان این نظریه همواره شهرت داشته است که شیوه‌ای نظیر اسناد نزد دیگر امت‌ها شناخته نبوده، و ظهور اسناد در حدیث مسلمین، از الطاف خاص خداوند به امت پیامبر بوده است.^{۸۲} نیز چنین گفتاری نزد متقدمان تداول داشته که خداوند این امت را به اسناد، انساب و اعراب از دیگر امت‌ها ممتاز گردانیده است و هم به گفته مَطَر وراق از تابعین، مقصود در آیه «أَوْ آثَارَةً مِنْ عِلْمٍ» (احقاف/۴) نیز چیزی جز اسناد

81. ترجمه فارسی مقاله را بنگرید: علوم حدیث، شماره‌های ۸، ۹، ۱۰.

82. شرف اصحاب الحدیث، ص 40؛ تدریب الراوی، ج 2، ص 145.

احادیث نبوده است.^{۸۳} در تحلیل سنتی اسلامی ارائه اسناد در آغاز متون، از ویژگی‌های نگاشته‌های اسلامی - عربی و یکی از دو رکن حدیث نزد محدثان به شمار می‌آید^{۸۴} و در اعتبار روایت، سلامت و صحت سند از اهمیت زیادی برخوردار است؛ در مقابل نگاه سنتی، مستشرقان حساسیت‌های خاصی نسبت به پیشینه اسناد در روایات اسلامی دارند و در ابداعی و تقلیدی بودن نظام اسنادی رایج در جوامع حدیثی مسلمین، تشکیک دارند. چگونگی شکل‌گیری نظام اسناد در روایات اسلامی، کارکرد و ارزش اسناد در تاریخ گذاری متن روایات از پرسش‌های مطرح در سند پژوهی نزد مستشرقان است که سبب علاقه‌مندی برخی از غربیان به این بخش از مطالعات حدیثی شده است. یوزف هوروویتس^{۸۵}، جیمز رابسون^{۸۶} و خوتیر نینل^{۸۷} از جمله غربیانی هستند که به طور خاص، در مقالات خود به بررسی پیشینه تاریخی نقل سند، اسناد گذاری احادیث در منابع حدیثی کهن و تاریخ گذاری روایات بر اساس اسناد توجه نشان داده‌اند.^{۸۸} هدف اصلی مولفان این مقالات بررسی تاریخچه اسناد گذاری در روایات اسلامی، نقش و کاربرد سند در ارزیابی حدیث است. هوروویتس در مقاله «قدمت و خاستگاه اسناد»^{۸۹} به دنبال این است که خاستگاه اسناد در منابع اسلامی را شناسایی کند و روشن سازد که ذکر سلسله راویان در کتب سیره و تاریخ، برگرفته از چه متون و چه منابع پیشا اسلامی است. او بر این باور است که سنت اسناد گذاری متون دینی دیرینه پیشا اسلامی داشته و ریشه در میراث دینی یهودیان دارد؛ به نظر هوروویتس خاستگاه اسناد و ذکر سلسله راویان در سنت اسلامی، برگرفته از متون یهودی است و مسلمانان دوره پس از پیامبر با این سنت آشنا شدند و در گزارش روایات از آن بهره جستند. وی با ذکر دلایل و شواهدی درصدد اثبات مدعای خویش است. وی در آغاز مقاله خود به شباهت ساختاری متون سیره با متون حدیثی در اسناد اشاره کرده و گفته است هر چند سیره و حدیث هم از نظر محتوا و هم به لحاظ قالب و ساختارشان پیوندی نزدیک با هم دارند، با این حال، شباهت ساختاری این دو گونه متن، بیشتر در نحوه به‌کارگیری اسناد در آنها آشکار می‌شود، که این امر هم در قدیمی‌ترین متون حدیثی و هم در سیره به‌کار رفته است. برای نمونه در *الموطأ* مالک بن انس، اسناد برای تمامی روایات امری لازم و حتمی است، گو این که نزدیک به یک سوم اسنادها به پیامبر ختم نمی‌شود، بلکه به یکی از صحابه می‌رسد، یا در سلسله سندشان، حلقه‌هایی مفقود وجود دارد. در مورد سیره ابن اسحاق - یکی از منابع کهن سیره نبوی - نیز هوروویتس بر این عقیده است که چندان آسان نیست رابطه این اسحاق با اسناد را معلوم کنیم، زیرا ما نوشته او را به صورت اصلی‌اش نداریم، و اکنون نیز معلوم شده است که حتی نسخه خطی موجود در استانبول، چیزی جز بازنگری و بازنگاری این هشام نیست. وی ضمن نقد دیدگاه کایتانی در

83. همان.

84. شرح مسند ابی حنیفه، ص 8.

85. Josef Horowitz.

86. James Rabson.

87. Juynboll

88. برای دیدن اصل مقالات بنگرید: دفتر دوم جوامع حدیثی مسلمین: کتابت، روش و اسناد، ج ۱، ص ۲۵۶ - ۴۲۱.

89. THE ANTIQUITY AND ORIGIN OF THE ISNAD, pp 151 - 159.

تاریخ گذاری پیشینه اسناد روایات اسلامی، به این نتیجه رسیده است که تاریخ پیدایش اسناد، قدیم تر از دوران زُهری است، اما تعیین مقدار قدمت آن دشوار است، و این که آیا عروه بن زبیر، از مهم ترین مشایخ زُهری، اسناد را در روایاتش به کار گرفته بوده است یا نه، سخت محل بحث و نظر است؛ اشپرنگر کوشیده است تا اثبات کند اسنادهای منسوب به عروه بن زبیر جعلی است، اما از این نکته غفلت ورزیده که فقراتی که وی مورد بررسی قرار داده است، به هیچ روی، تنها مواردی نیستند که در آنها اسنادی به عروه نسبت داده شده است. با تمام این احوال، چندان مهم نیست که دیدگاه شخصی عروه در باب اسناد چه بوده است، مهم آن است که دریابیم آیا در میان نسل مدونان درس خوانده حدیث - که پیش از زُهری آمده‌اند - اسناد متداول بوده است یا نه؟ به گمان شخصی هورویتس، تردید در این امر جا دارد. در واقع می‌توان چنین انگاشت که اسناد را نخستین بار در متون حدیثی در ثلث آخر قرن نخست هجری، پدید آمده است. آیا اسناد را عالمان عرب اختراع کرده‌اند؟ کایتانی به این نکته توجه کرده که خاستگاه اسناد در شبه جزیره نبوده است. اما همو هیچ نقطه دیگری را برای منشأ اسناد ذکر نمی‌کند. در متون تاریخی متعلق به دوران باستان در منطقه شرق، نمونه مشابهی نمی‌توان یافت. تنها خاستگاه احتمالی باقی مانده را در متون سنت یهودی می‌یابیم که نظامی بسیار پیشرفته از ذکر رجال در اسناد روایات اسلامی، دارد. این نظام، بسیار مشابه با همان نظام اسناد است. وی برای یافتن منشأ یهودی اسناد به بررسی و سنجش این دو نظام در کنار هم پرداخته است.⁹⁰

رابسون از دیگر غربیانی است که در مقاله « اسناد در روایات اسلامی⁹¹»، به نظریات پاره‌ای از محققان غربی در اشکالات اسناد و نقدهای آنان پرداخته است. در نگاه وی یکی از ویژگی‌های بارز نوشته‌های عربی، ارائه اسناد، یعنی زنجیره‌ای از مصادر و منابع، هنگام سخن گفتن از گذشته است، البته، این ویژگی، به هیچ روی، محدود به آثار حدیثی نیست و هر که بخواهد با منبع نخستین ارتباط یابد، از این روش، که ظاهراً دقیق ترین است، بهره برد. اسناد یکی از مهم ترین ارکان حدیث در فرهنگ اسلامی است. اهمیت اسناد در علم حدیث بدان پایه است که احادیث، بدون آن، فاقد ارزش تلقی می‌شوند و از این رو، می‌گویند اسناد، نیمی از علم الحدیث است. وی در ادامه به نقل سخنانی از ابن سیرین، زهری، یزید بن زریع، اوزاعی، عبدالله بن مبارک و شافعی در بیان جایگاه بلند اسناد در علم الحدیث و ارزش آن در اعتبار بخشی به صدور روایت پرداخته است؛ هر چند خیلی گذرا، تردید برخی از محققان غربی در انتساب این سخنان به افراد مذکور را گوشزد کرده است. بخش بعدی مقاله رابسون، گزارش و تحلیل دیدگاه مستشرقان مشهور در باب اسناد است. مطابق گزارش وی میور، مولف کتاب زندگی محمد، با نظر شایع میان مسلمانان که به اسناد تکیه کرده و آن را بهترین راه برای سنجش درستی و مقبولیت احادیث می‌دانند، مخالف است؛ میور می‌پذیرد که بخشی از مجموعه احادیث به صحابه باز می‌گردد، ولی اعتقاد دارد همین بخش هم دستخوش تحریف گردیده است. میور، با تأکید بر

90. ترجمه فارسی مقاله را بنگرید: علوم حدیث، ش 48.

91. The Isnad in Muslim Tradition, pp 163 - 175.

این باور خود که هر شخص را در سلسله سند، منبعی مستقل می‌شمارد، بر این نظر است که ما نمی‌توانیم بگوییم، در چه زمان و در چه مراحل یکی از آنان، تغییراتی احتمالی در حدیث ایجاد کرده یا مطلبی نو بر آن افزوده‌اند. میور هشدار می‌دهد که بخش اعظم متن هر حدیث جعلی است، اما در این باب بحثی نمی‌کند که هر حدیث چگونه صاحب سند شده است؟ گلدتسهیر در نگاشته‌های خود، بویژه در کتاب مطالعات اسلامی، نکات ارزشمندی برای درک چگونگی تحول حدیث ارائه می‌کند. او نشان داده چه طور افراد مختلف به وضع احادیث پرداختند و چگونه محیطها و بوم‌های گوناگون، مجامیع حدیثی ویژه خود داشتند؛ گلدتسهیر به این واقعیت توجه می‌دهد که مالک در *الموطأ* فاقد نظامی ثابت و دقیق در رویکرد به اسناد است و غالباً، احکام فقهی را بر احادیث بنا می‌نهد که با سندی کوتاه به صحابه می‌رسند، و این سندها خود عیب‌های دیگری هم دارند. کایتانی هم در کتابش *تاریخ اسلام*، بر این باور است که شکل‌گیری اسناد، متأخرتر از شکل‌گیری احادیث بوده و همزمان با آن نبوده است. در نگاه او اسناد نتیجه نیازهای تمدن جدیدی بود که از فتوحات مسلمین نشأت گرفته بود و ظاهر علمی متشخص آن از زندگی فرهیختگان در شهرهای خارج از جزیره العرب برآمده بود. به نظر وی، اندیشه اسناد یکسره از طبیعت بدوی عرب بیگانه است. او ظاهراً همه عرب‌ها را بادیه‌نشینانی بی‌خبر و بی‌قانون می‌انگارد. در نگاه رابسون این امر، به کلی توجیه‌ناپذیر است چنان‌که لامنس نیز بر این عقیده بود که اگر به سیر تحول و کمال در زبان اعراب جاهلی توجه کنیم، دیگر نمی‌توان آنها را از جمله ملت‌های بدوی به شمار آورد. کایتانی در تبیین دیدگاه خود می‌گوید که عرو و بن زبیر (م ۹۴ ق)، نخستین جامع روشمند احادیث به گفته طبری، از هیچ سندی بهره نبرده و جز قرآن هیچ منبعی ارائه نکرده است. بر این اساس، وی معتقد است در زمان عبدالملک (حدود ۷۰ تا ۸۰ هجری)، یعنی بیش از شصت سال پس از وفات پیامبر، اسنادی وجود نداشت و نتیجه می‌گیرد که آغاز این روش را می‌توان در دوره‌ای میان عرو و ابن اسحاق (م ۱۵۱ ق) قرار داد؛ چرا که ابن اسحاق از اسانید بهره برده است، اما نه به شکلی دقیق و کامل که در نویسندگان متأخر می‌بینیم. اسناد در کتاب *واقعی* (م ۲۰۷ ق) و منشی او ابن سعد (م ۲۳۰ ق) تحول یافت، ولی هنوز کامل نشده بود. به نظر کایتانی، طرح و ابداع بخش اعظم اسنادها به دست محدثان اواخر قرن دوم و چه بسا قرن سوم انجام یافته است. با این همه، او می‌گوید که البته این امر به معنای جعل صرف نبود، بلکه تلاشی بوده برای بازسازی فرضی سیر زمانی نقل حدیث که بعدها این تلاش از طریق توجهات سازمان یافته و علمی توسعه و تکامل یافت.

هوروویتس در مقاله خود به این اشکالات پاسخ داده است. وی می‌گوید شاید بتوان گفت شاهدان عینی، حوادث مختلف مرتبط با پیامبر را نقل کرده، در نتیجه مجموعه‌هایی از روایات شکل گرفت. در پی آن، دیری نگذشت که شور و شوق گردآورندگان حدیث رو به فزونی گذاشت و شش یا هفت دهه بعد از فوت پیامبر، آنان نوشته‌های خود را گرد هم آوردند. در این زمان تعداد کمی از صحابه زنده بودند، اما حکایت‌ها در میان عشیره‌ها و قبایل باقی بود. هوروویتس بر ارتباط نزدیک میان سیره و حدیث تأکید می‌ورزد و می‌گوید در نوشته‌های ابن اسحاق و واقدی، کمتر روایتی می‌توان یافت که مشابهی در مصنف‌ها و بویژه در مسانید نداشته باشد. او با ادعان به این که ابن اسحاق در بیشتر جاها منابع خود را ذکر نمی‌کند، می‌گوید: ذکر اسناد تنها هنگامی بوده که او روایاتی را از شیوخ خود گرفته و آنها مسؤولیت آن را

پذیرفته‌اند. از این رو، ابن اسحاق، این روایات را متصل به نام آنان ساخته است. هورویتس در این موضوع - که اسانید ابن اسحاق پیچیده و مغلق نیست - با کایتانی موافق است، اما توضیح می‌دهد که اختلاف میان ابن اسحاق و بخاری، آن اندازه که کایتانی نشان داده، زیاد نیست. بخاری، خود مواردی از نقل قول مبهم از منابع و اسنادهای مختلط و متصل به حدیثی واحد دارد؛ یعنی مشخصه‌ای که معمولاً در کتاب ابن اسحاق هم عیب و نقص تلقی می‌شود. وی استدلال می‌کند که اسناد نزد زُهری (م ۱۲۴ق) شناخته شده بود و ما می‌توانیم بگوییم زمان اسناد جلوتر از اوست، ولی این را که چه قدر جلوتر است نمی‌دانیم. همچنین هورویتس با اشاره به توجه گلدتسهیر نسبت به شناخت زُهری از اسانید مختلط، استدلال می‌کند اگر اسناد واحد پیش تر وجود داشت، زُهری از آن استفاده می‌کرد. او با کسانی که منکر شناخت عروه از اسنادند، مخالفت می‌کند، ولی با این حال، این موضوع را محل بحث و تأمل می‌شمارد. در این باب کایتانی معتقد است که انتساب اسناد به زُهری تنها و تنها از جانب نویسندگان متأخر صورت پذیرفته است. اشرنر نیز خیلی پیش‌تر گفته بود اسانیدی که به عروه نسبت داده شده، اصیل نیستند، ولی هورویتس می‌گوید که اشرنر به همه اسانید عروه توجه نکرده است؛ چه این که تنها به نامه‌ای از عروه خطاب به خلیفه عبدالملک استدلال کرده، در حالی که فرق است میان آنچه فرد در پاسخ به سؤالی می‌نویسد با آنچه در محافل علمی انجام می‌دهد. نتیجه‌گیری هورویتس این است که نخستین ورود اسناد به نوشته‌های حدیثی در ثلث آخر قرن اول بوده است. گفتنی است پیش از او لوت هم بر این باور بود که اسناد در نسل سوم مسلمانان اهمیت یافته است. هورویتس سپس پیش‌تر می‌رود تا اندیشه اسناد را به عمل مدارس تلمودی یهود بازگرداند، اما در عین حال می‌گوید: «عالمان مسلمان به نظم زمانی اسانید، تکامل بخشیدند تا آنجا که حتی یهودیان نیز از آنان تقلید کردند».

در نظر شاخه نیز در میان نسل قبل از شافعی، قاعده این بود که ارجاع تنها به روایات صحابه یا تابعان بود و استثنائاً گاهی از طریق آنان ارجاع به پیامبر صورت گیرد، بدین‌سان می‌توان گفت روایات صحابه و تابعان قدیمی‌ترند. وی اسانید را دلخواهی‌ترین بخش روایات می‌داند. به نظر شاخه، اسانید در میان برخی گروه‌ها - که نظریات خود را به منابع و مراجع اولیه مستند می‌کردند - تطور و تکامل یافتند. برخی از دلایل نشان می‌دهد که استفاده از اسانید، تحولی متأخر است. با این همه، قبول کامل این مطلب محل تردید است. شکی نیست که بسیاری از اسانید برساخته‌اند، همچنان که روایات فراوانی با اسانید کامل در اختیار داریم که مطمئناً نمی‌توان آنها را به پیامبر نسبت داد. اما این همه، توجیه‌گر نظریه‌ای نیست که انتساب همه اسانید به پیامبر را نادرست می‌پندارد. شاخه، اساساً به روایات فقهی پرداخته است، یعنی حوزه‌ای که استدلال او بیش از هر جای دیگر ممکن است به کار آید، چرا که تعبیر شرایط و تحول اندیشه فقهی، قوانین تازه‌ای می‌طلبد؛ به نظر این دلیل خیلی کلی است، حتی اگر احتجاج شاخه را در باره جعلی بودن روایات فقهی و اسانید آنها قوی بدانیم، دشوار می‌توان باور کرد که تمام منقولات مربوط به زندگی پیامبر در یک سطح باشند. به نظر شاخه، ما اطلاعاتی قابل اعتماد در دست نداریم که به وسیله شاهدان عینی و از مجاری رسمی نقل شده باشند. وی به شک و تردید گلدتسهیر نسبت به کل موضوع، به دیده تأیید نگریسته، می‌گوید: اندیشه وجود هسته‌ای اصیل از روایات، امری توجیه‌ناپذیر است. دکتر ویلیام مُنتگمری وات بر این عقیده است که این هسته اصیل، گسترده‌تر از آن حدی است

که معمولاً تصور می‌شود. در نگاه مُتَنگَمری وات، این مشخصه در روایات تاریخی مربوط به زندگی پیامبر، در مقایسه با منقولات فقهی، بارزتر است. رابسون شخصاً به این رأی تمایل دارد گرچه اثبات آن به نظر وی دشوار است. شخصیت پیامبر چنان تأثیری بر پیروانش گذاشته که نمی‌توان باور کرد تصویر ترسیم یافته از او در روایات، صرفاً تحولی متأخر بوده باشد. اما اگر به لحاظ نظری بپذیریم که حدیث هسته‌ای اصیل دارد، آیا اسانیدی متصل به روایات، ابزاری برای شناخت و کشف آن بخش اصیل در اختیار ما می‌گذارند؟ برای همسویی و تأیید چنین نظری، نیازمند دلایلی بیش از آنچه در اختیار داریم، هستیم تا سلسله به هم پیوسته‌ای از نقل حدیث را به طور واقعی نشان دهند. اما این همه را نباید بدان معنا دانست که کل این نظام [اسناد] امری جعلی و مربوط به زمان‌های متأخر است. این امر یقیناً به مرجعی در گذشته بازمی‌گردد و بی‌شک، مشتمل بر عناصری واقعی است؛ گرچه جدا کردن سره از ناسره آن کار دشواری است. خوتیر ینبل نیز به اسناد احادیث به مثابه منبعی تاریخی نگاه می‌کند و تلاش دارد با استفاده از شیوه‌های تاریخ‌گذاری، دوره تعلق تاریخی روایات از طریق سلسله راویان سند را بنمایاند، از این رو، نگرش وی به اسناد اندکی متفاوت از همگان پیشین خود است.

ینبل در مقاله «شیوه‌های مشهور تحلیل اسناد مبتنی بر چند روایت با مضمون تحقیرآمیز نسبت به زن»^{۹۲} به تحلیل اسناد چند روایت مربوط به زنان پرداخته است که از مضمونی تحقیر آمیز برخوردارند. ینبل با اصطلاحات و شیوه خاص خود، به توصیف تحلیلی اسناد روایات مذکور پرداخته است. از دیدگاه وی بخش عمده‌ای از این اطلاعات تاریخی در اسناد روایات نهفته است که باید با روش تحلیلی خاصی - که تا حد زیادی ابداع خود اوست - از دل اسانید روایات بیرون کشیده شود. حاصل این شیوه تحلیلی ارزش‌گذاری بر میزان اعتبار تاریخی اسانید و نیز تاریخ‌گذاری تقریبی برای ابداع و نشر روایات اسلامی است.^{۹۳}

نتیجه

۱. بررسی حدیث شیعه در مطالعات غرب دیرینه‌ای چندان طولانی ندارد و تنها در دو دهه اخیر مورد توجه جدی مستشرقان قرار گرفته و مقالات متعددی از آنان در این باره نشر یافته است. حدیث پژوهان شیعی در سالهای اخیر نگاه‌های غربیان در حوزه حدیث شیعه را رصد، توصیف، ترجمه و گاه نقد کرده‌اند و چند کتاب، تعدادی مقاله و بولتن مرجع، نتایج پژوهش‌های سال‌های اخیر در ایران می‌باشد. با این حال نقد و بررسی آثار مستشرقان در زمینه حدیث شیعه نیازمند توجه بیشتری از سوی حدیث پژوهان شیعی جهان اسلام است.

۲. ریخت‌شناسی محتوایی و روش‌شناسی توصیفی جوامع حدیثی نخستین شیعه همانند اصول اربعماء، کتب اربعه، *المقنعه* شیخ مفید، *صحیفه سجادیه*، *المبتداء* و *المبعث* و *المغازی* ابان بن عثمان... از محورهای مهم و مورد توجه مستشرقان در بررسی حدیث شیعه

92. Some Isnad - Analytical Methods Illustrated on the Basis of Several Woman - Demeaning Sayings from Hadith Literature, pp 175 - 217.

93. گزارشی از مقاله را با نقد و بررسی بنگرید: *علوم حدیث*، ش ۴۱.

است. توجه به تاثیر اعتقادات فرقه‌های چون غلات و واقفه، زیدیه در بررسی‌های رجالی و توجه به نقش امامان شیعه در تاریخ حدیث از دیگر عرصه‌هایی است که می‌توان برای آن مصادیقی از آثار غربیان یافت. مستشرقان در بررسی‌های رجالی به فرقه‌های تاثیر گذار در احادیث اعتقادی امامیه، همانند روایات مهدویت و غلو، توجه جدی دارند و سعی می‌کنند به گونه‌ای وامداری تاریخی این روایات به انگاره‌های اعتقادی فرقه‌های مذکور را نشان دهند که باید توسط محققان تاریخ و حدیث شیعه در جای خود مورد نقد و واکاوی قرار بگیرد.

۳. مطالعات فقه الحدیثی پس از تاریخ حدیث، دومین عرصه حضور غربیان در حدیث پژوهی به شمار می‌آید؛ مستشرقان به مباحث عام و نظری فقه الحدیث، همچون اصول و قواعد فهم حدیث، منبع شناسی فقه الحدیث، چندان نپرداخته‌اند، لکن در فقه الحدیث موضوعی در عرصه‌هایی چون فقه و حقوق، قرآن پژوهی، سیره پژوهی، کلام و عقاید، جامعه شناسی شاهد تنوع و تکثر مقالات آنان هستیم. موضوعات و مسائل فقه و حقوق اسلامی یکی از عرصه‌های جدی حضور مستشرقان در مطالعات فقه الحدیثی است که پیشینه‌ای دیرین و کهن داشته و مقالات متعددی از آنان در این عرصه به قلم آمده است. از لحاظ روشی رویکرد غالب مقالات غربیان در این حوزه، تاریخی و گاه تحلیلی - انتقادی است و موضوعات فقهی و حقوقی پرداخته شده از تنوع بر خوردار بوده است. شرح احادیث فقهی و بازشناسی مفهومی اصطلاحات فقهی دو محور مهم در حوزه فقه الحدیث روایات فقه و حقوق است.

۴. گلدزیهر بر این باور است که اختلاف نظر صحابه در مسأله کتابت و نقل حدیث به مسأله جایگاه حدیث در اندیشه اسلامی بر می‌گردد که از یک منظر بحثی کلامی و از منظر دیگر بحثی تاریخی است. برخی از اندیشوران مسلمان بر این باور بودند که قرآن، منبعی کافی برای دین اسلام است و با وجود آن، نیازی به سنت نیست؛ دیدگاه مقابل، سنت را گونه‌ای وحی قرآنی می‌داند که تبیین و تعلیم قرآن، در گزاره‌های آن متجلی است. شناخت علل ترس طرفداران گرایش دوم از انتشار عمومی برخی روایات در نگاه گلدزیهر در نقد حدیث، اهمیت و ارزش بسیاری دارند. گلدزیهر به طور غیر مسقیم، دو نوع علت را برای این ترس بیان کرده است: بیم از تحریف متن حدیث و تمایلات فرقه‌ای. هیبت حدیث، ترس از تغییر در الفاظ واقعی حدیث، اجتناب از اسناد به شخص پیامبر و رد قطعی گزارش حدیث بدون هیچ توجیه‌ای، از جمله مصادیق علت نخست هستند که در عبارات این افراد به چشم می‌خورد. برای علت دوم نیز سر بسته و به طور اجمالی اشاره می‌کند که برخی از صحابه همانند عمر، خلیفه دوم، مایل نبود پاره‌ای احادیث - که با اقدامات مهمش ناسازگار بود - در میان مردم بیان شود. البته در نگاه گلدزیهر این قبیل گزارش‌ها در تضاد آشکار با احادیث فراوانی است که به نام این صحابه در مجموعه‌های مسانید فراهم آمده است.

۵. ادله گرایش احتیاطی در نقل حدیث، بر مخالفان ثبت احادیث به شکل مکتوب، تاثیر گذاشته است؛ از نظر گلدزیهر وقتی مسلمانان انتساب شفاهی سخنی به پیامبر را زنگ خطر می‌دانستند، مسلماً هراس ایشان از انتشار اخبار به شکل مکتوب بیشتر بوده است. افزون بر این، مطالب بسیار اندکی در دست بود که افراد مقید بتوانند انتساب را آنها به پیامبر با اطمینان بپذیرند. احادیثی که موضوع آنها همانند احادیث

احکام دیه، مرتبط با یکی از مسائل روزمره زندگی مسلمانان بود، عموماً احادیث صحیح تلقی شد و نوشتن آنها با مخالفتی مواجه نشد، اما نوشتن سایر احادیث که مفادشان به طور مستمر وارد زندگی روزمره نشده بود، باعث نگرانی افراد محتاط بود.

۶. رویدادهای تاریخ صدر اسلام این فرض را تأیید می‌کند که شکل‌گیری اعتقاد به «وحی نانوخته» در کنار قرآن، تأثیر پذیرفته از این باور یهودی است که خداوند، افزون بر ارسال تورات مکتوب از طریق وحی، توراتی شفاهی نیز به موسی عطا کرده است، هرچند که از دید گلدزیهر نمی‌توان با اطمینان در این باره حکم داد. در قرنهای دوم و سوم هجری، نگرانی‌های موجود دوره‌های پیشین نسبت به نقل و کتابت حدیث، خیلی زود از میان رفت. در این دوره، دیدگاه سنتی و رایج در جامعه اسلامی، از جهت گوناگون به ارزش و اعتبار حدیث مکتوب ایمان آورد و به دنبال آن اصل برابری اعتبار قرآن و حدیث در مکاتب کلامی قرن دوم و سوم هجری پایه‌گذاری شد، این اعتبار برابر، تا آنجا پیش رفت که گاه از امکان نسخ قرآن با حدیث سخن گفتند؛ چه این که قرآن و حدیث، هر دو وحی الهی هستند. شواهد مستند از متکلمان اسلامی در اثبات دیدگاه «وحی دوگانه» وجود دارد، و ظاهراً صاحب‌نظران مدرسه حسن بصری از جمله قتادة بن دعامة در ارائه چنین شواهدی تلاش زیادی به عمل آورده‌اند.

۷. از دیدگاه ساخت تاریخ کتابت حدیث و چگونگی فرایند انتقال آن از عصر پیامبر به دوره‌های بعد، دارای تأثیر مستقیم در اعتبار سنجدی و تاریخ‌گذاری پیدایش روایات فقهی است، ضروری است که در ارزیابی احادیث فقهی، شواهد و حوادث تاریخی قرن دوم و سوم هجری، به دقت بررسی گردد و بویژه، به اندیشه‌ها و باورهای روایان و کاتبان احادیث توجه شود. ساخت، در پی اثبات این ادعا است که جامعان احادیث فقهی در جوامع حدیثی، از اندیشه‌های شخصی و منطقه‌ای تأثیر پذیرفته‌اند، گاهی این تأثیرات ریشه در فرهنگ دوران قبل از اسلام دارد.

۸. موتسکی رویکرد روایی - تاریخی، روش گلدزیهر و ساخت را در کم ارزش دانستن اسناد و تاریخ‌گذاری احادیث، به نقد کشیده است؛ وی با تکیه بر رویکرد منبع‌شناسانه می‌کوشد اعتبار از دست رفته اسناد روایات فقهی را با یکدیگر احیا کند. وی به این منظور با مرور روایات *المصنف عبدالرزاق صنعانی* (م ۲۱۱ق) و بررسی منابع و مشایخ روایی وی، به این نتیجه می‌رسد که اعتبار اسانید روایات فقهی در متون کهن حدیثی بسیار بیشتر از تصور برجامانده از تئوری‌های ساخت و گلدزیهر است.

۹. پژوهش مایکل کوک، بر سر آن است که آنچه را می‌توان در مورد تاریخ و خاستگاه‌های «مخالفت با نوشتن حدیث» دانست، تدوین کند و به هیچ وجه هدفش یاری رساندن به بحث وثاقت حدیث نیست؛ هرچند روشن می‌شود که با در نظر گرفتن تمام جوانب، پیش فرض‌های کوک در این مسأله، بیشتر به انگاره‌های نظام نزدیک است تا این خنبل. همچنین وی سالشماری برای کتابت عملی حدیث پیشنهاد نکرده است. در نگاه کوک، دلیل تألیف کتاب *الحث علی حفظ العلم* توسط ابن جوزی ترغیب معاصران خود به کوشش بیشتر در حفظ حدیث بود که مبتنی بر تلقی خاص وی از توانایی و رسالت ویژه مسلمانان در حفظ قرآن و حدیث است بر خلاف یهودیان، که به منابع مکتوب وابسته بودند و توانایی حفظ کردن متون را نداشتند. ابن جوزی، نقل شفاهی حدیث را، چیزی بیشتر از فرصتی برای

نمایش قوت حافظه می‌دانست، و وثاقت حدیث، را وابسته به آن تبیین می‌کرد و چون در روزگار وی دانش حدیث بر کتابت تکیه داشت، برانگیخته شد تا بار دیگر بر ارزش حفظ و یاد سپاری تأکید کند. کوک در ادعای سزگین مبنی بر حدیث مکتوب از آغاز تردید دارد و هنوز این نظر برای وی مسلم نشده است که خود پیغمبر حدیث خود را به کتابت در می‌آورد. تغییر حدیث از نقل شفاهی به شکل مکتوب، مقبول همگان است ولی تا حدودی با آن مخالفت شده است مخالفتی که پیشتر اشپرنگر در باره آن بحث کرده، و بعدها به دست گلدزیهر بسط یافته است. کوک بحث خود را با بررسی مدارک دال بر وجود مخالفت با نگارش حدیث در بصره، در نیمه دوم سده دوم، آغاز کرده است و بر این باور است که این دشمنایی با کتابت حدیث، در مرحله‌ای پیشتر، در همه کانون‌های بزرگ آموزشی وجود داشته و گذشته از آن، روزگاری نظریه رایج بوده است.

۱۰. مطلبی که خواننده در مقالات مذکور به گونه‌ای کم رنگ ولی مکرر با آن مواجه می‌شود، تعصب خاص نویسندگان مقالات، به ایجاد تردید در مسأله کتابت و غیر اسلامی جلوه دادن نظام اسناد روایات است؛ روشن است که دوره منع کتابت حدیث در سده نخست هجری، مستمسک خوبی برای مستشرقان بوده و میدانی آماده برای پژوهش انتقادی برای آنان در باره پیشینه میراث اسلامی در حوزه حدیث فراهم کرده است، لکن به اعتراف خودشان این نقد تنها متوجه میراث حدیثی اهل سنت بوده و در میراث شیعی، ردپایی از آن نیافته‌اند. خاورشناسان سعی دارند نوعی عدم اصالت در مسأله اسناد را به خواننده تلقین کنند و عالمان مسلمان را در طراحی و بهره‌مندی از اسناد، وامدار یهود نشان دهند، از همین رو پیشینه نظام اسنادی یهود را تقویت کرده و قائل به نوعی اقتباس مسلمانان از آن شده‌اند. به نظر می‌رسد طرح چنین مطالبی در مقالات غربیان بیش از طرح یک ادعا نیست و بر فرض صحت، نقصی بر نظام اسناد روایات اسلامی وارد نخواهد کرد.

۱۱. باید توجه داشت که در اصل، چنین مقالاتی برای مخاطبان غربی نوشته شده است و برای مخاطبان دیگر، تنها در حد آشنایی با آگاهی‌های مستشرقان از مطالعات حدیثی مسلمین و روش‌شناسی پژوهش‌های آنان مفید خواهد بود؛ از این رو، چنین مقالاتی برای حدیث پژوهان فرهیخته مسلمان، ممکن است در حد بازخوانی و تحلیل آراء اندیشوران پیشین اسلامی، در قالب ادبیاتی متفاوت، قابل توجه باشد و از نظر محتوا مطلب تازه‌ای برای وی نداشته باشد؛ این که متأسفانه برخی فکر می‌کنند نگاه‌های مستشرقان آکنده از نوآوری‌ها و گره‌گشایی‌های علمی است، توهمی بیش نیست و خود علت و نشانه‌ای است بر غفلت آنان از میراث سترگ دانشوران مسلمان در پژوهش‌های حدیثی که در لابه‌لای میراث گرانسنگ اسلامی در گوشه‌ای آرام گرفته‌اند. البته مستشرقان با بهرمندی از شیوه‌های پژوهشی نوین، ارائه نظامند مطالب، نگاه‌های خود را جذاب می‌کنند، از این رو در زمینه گردآوری، تحلیل و ارائه مطالب از دقت و گاه خلاقیت‌هایی برخوردارند.

کتابنامه

عربی

- الإسلام هو القرآن وحده (آراء وأفكار)، توفيق صدقي، محمد، مجله المنار، ش 256.
- افتراءات المستشرقين على الاسلام عرض و نقد، دکتر عبدالعظیم ابراهیم محمد المرطعنی، مکتبه وهبه، 1992م.
- الام، شافعی، بیروت، دار الفکر، ج 7، چاپ دوم، 1403ق.
- تدريب الراوی، سیوطی، به کوشش احمد عمر هاشم، بیروت، 1405ق/1985م؛
- حجیة السنّة، عبدالغنی عبدالخالق، بیروت، دار القرآن الکریم، ق 1407.
- الحديث النبوی و منزلته فی الفكر الاسلامی المعاصر، محمد حمزه، مرکز الثقافی العربی، 2005.
- السنّة النبویة الشریفة حقیقتها و مکانتها عند المسلمین زحیلی، وهبه، دارالمکتبه، دمشق، 1418ق.
- السنّة النبویة: حجیة السنّة، عبدالمتعال محمد الجبری، القاهرة: مکتبه وهبه، 1407ق.
- السنّة بین الاصول و التاریخ، حمادی ذویب، بیروت، مرکز الثقافی العربی، 1425ق.
- السنّة حجیة و تدویناً، غرسی، محمد صالح، بیروت، موسسه الریان، 1422ق.
- السنّة حجیها و مکانتها فی الاسلام و الردّ علی منکرها، محمد لقمان السلفی، المدینة: مکتبه الایمان، 1409ق.
- السنّة و مکانتها فی التشریع الاسلامی، مصطفی السباعی، بیروت، المکتب الاسلامی 1405ق.
- السنن، ابو داوود، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1421ق.
- شرح مسند ابی حنیفه، ملا علی قاری، دار الکتب العلمیة، بیروت، بی تا.
- شرف اصحاب الحدیث، خطیب بغدادی، احمد، به کوشش محمد سعید خطیب اوغلی، آنکارا، 1971.
- ظاهرة الاستشراقیه و اثرها فی الدراسات الاسلامیه، ساسی سالم الحاج، طرابلس، الجامعه المفتوحه، 1997.
- القرآنیون و شبهاتهم حول السنّة، خادم حسین الهی بخش، مکتبه الصدیق، 1421ق.
- مستشرقون (سیاسیون، جامعیون، مجمعیون)، نذیر حمدان، الطائف، مکتبه الصدیق، 1408ق.
- المستشرقون و السنّة، سعد المرصفی، بیروت، موسسه الریان، ق 1415.
- المستشرقون والحديث النبوی، محمد بهاءالدین، چاپ اول، دارالنفائس، اردن، 1420ق.
- مفتاح الجنه فی الاحتجاج بالسنّة، سیوطی، مکتبه الثقافه الدینیة، قاهره، بی تا.

- *مکانة السنة في الاسلام*، محمد محمد ابوزهره، بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۴۰۴ق.
- *منع تدوين الحديث اسباب و نتائج*، شهرستاني، علي، مؤسسة الامام علي، قم.
- *نظريّة الاعتبار في العلوم الإسلاميّة*، عبد الكريم عكيوي، المعهد العالمي للفكر الإسلامي، 2008م.
- *نظريّة السنة في الفكر الامامي الشيعي التكون والصيرورة*، حيدر حبّ الله، بيروت، الانتشار العربي، ۱۴۲۶ق.

فارسی

- *بولتن مرجع مقالات مستشرقان و تاريخ حديث/2*، دفتر اول حديث شيعه، ج 1، به كوشش: علي راد، قم: دارالحديث، 1388ش.
- *بولتن مرجع مقالات مستشرقان و تاريخ حديث/2*، دفتر دوم جوامع حديثي مسلمين: كتابت، روش و اسناد، ج 1، به كوشش: علي راد، قم: دارالحديث، 1388ش.
- *بولتن مرجع مقالات مستشرقان و فقه الحديث/1*، دفتر اول فقه و حقوق، به كوشش: علي راد، قم: دارالحديث، 1388ش.
- *تاريخ نگارش های عربي، فواد سزگين، ج 1*، به اهتمام خانه ی کتاب، وزارت ارشاد، تهران، 1380ش.
- *تشیع، هاینس هالم، ترجمه: محمدتقی اکبری، نشر ادیان، قم، ۱۳۸۵ش.*
- *تصویر امامان شیعه در دایرة المعارف اسلام*، گروهی از محققان، موسسه شیعه شناسی، قم، 1385ش.
- *تصویر شیعه در دایرة المعارف ایرانیکا*، زیر نظر محمود تقی زاده داوری، تهران، امیر کبیر، چاپ و نشر بین الملل، 1384ش.
- *جریان شناسی قرآن بسندگی در دو قرن اخیر نگاهی به شبه قاره هند و کشورهای عربي، اسعدی، محمد، حدیث اندیشه، 1379ش، ش 1.*
- *دانشنامه جهان اسلام، مدخل حدیث*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ج 12.
- *رابطه متقابل کتاب و سنت، علی نصیری، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، 1386ش.*
- *شرق شناسی، ادوارد سعید، ترجمه: لطفعلی خنجی، امیرکبیر، تهران، 1386ش.*
- *شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان (1950 تا 2006م)* غلام احیا حسینی، با اهتمام موسسه شیعه شناسی و جامعه المصطفی العالمیه، قم، 1387ش.

- گزیده آثار همایش بین المللی تشیع و خاور شناسان، خاکریز، اول، قم، 1387 ش.
 - مستشرقان و حدیث: نقد و بررسی دیدگاه‌های گلدزیهر و شناخت، سهیلا شینی میرزا، تهران، هستی
 نما، ۱۳۸۵ ش.

مقالات

- ارزیابی مجدد احادیث اسلامی، یوزف شاخت، ترجمه: محمدحسن محمدی مظفر، مجله علوم حدیث،
 ش 34.

- اسناد در روایات اسلامی، رابسون، مرتضی شوشتری، مجله علوم حدیث، ش 45 و 46.

- اصول اربعه، اتان کلبگ، ترجمه: محمد کاظم رحمتی، مجله علوم حدیث، ش 17.

- پژوهش‌های خاورشناسان در باره نهج البلاغه، عباس احمد وند و سحر کاوندی، مجله علوم حدیث،
 ش 49 و 50.

- دانش‌های حدیثی؛ گذشته، حال، آینده، مهریزی، مهدی، تابستان 1379، مجله علوم حدیث، ش 16.

- دوگانه انگاری منبعیت حجیت قرآن و سنت، کتاب نقد، بهار 1385، ش
 38.

- تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد نقد و بررسی روش‌شناسی خوتیر یثیل، سید علی
 آقای، مجله علوم حدیث، ش 41.

- غلو و اهل غلو در فرهنگ شیعی، قاسم بستانی، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، ش 12، 1384،
 ص 35 - 68.

- قدمت و خاستگاه اسناد، یوزف هورویتس، ترجمه: مرتضی کریمی‌نیا، مجله علوم حدیث، ش 48.

- کلینی و نخستین گزیده‌های حدیثی شیعه دوازده امامی، مارسین کاوسکی، ترجمه: علی راد، مجموعه
 مقالات فارسی‌کنگره بین المللی ثقۀ الاسلام کلینی، جلد اول، دار الحدیث، 1388 ش.

- گذری بر مطالعات شیعی در غرب، عباس احمدوند، مقالات و بررسیها، تابستان 1377، ش 63،
 ص 153 - 184.

- مخالفان نگارش حدیث در صدر اسلام، مایکل کوک، مترجم: ابولقاسم سرّی، مجله علوم حدیث،
 ش 8، 9، 10.

- مقدمه‌ای بر صحیفه سجادیه، ویلیام چیتیک، ترجمه: وحید صفری، مجله علوم حدیث، ش 41.

- مناظرات درباره جایگاه حدیث در اسلام، گلدزیهر، مترجم: نصرت نیل ساز، مجله علوم حدیث، ش 47.

- "Sīrat Ahl al - Kisā": Early Shī'ī Sources on the Biography of the Prophet, Biography of Muḥammad: The Issue of the Sources, Maher Jarrar, ed. Harald Motzki, Leiden: E.J Brill, 2000. .
- A REVALUTION OF ISLAMIC TRADITIONS, Joseph Schacht, Hadith Origins and Developments,ed: Harald Motzki.
- Al - Usul al - arbaumia,Etan Kohlberg , Jerusalem Studies in Arabic and Islam, 10, Jerusalem 1987, pp; 128 - 166, Belief and Law in Imami Shiism, London, Variorum, 1991.
- BETWEEN HADITH AND FIGH: THE CONONICAL IMAMI COLLECTIONS OF AKHBAR, ISLAMIC LAW AND SOCIETY, VOL 8 NO 3, 2001, PP 350 - 382 .
- Bulletin of the School of Oriental and African Studies , Vo 31, , No2, 1968.
- Bulletin of the School of Oriental and African Studies, Vo 51, No 2, 1988.
- Bulletin of the School of Oriental and African Studies,Vo 39, No1, 1976
- Bulletin of the School of Oriental and African Studies,Vo57, 1994.
- Hadith:Origins and Developments, ,ed:Harald Motzki ,Sentürk Journal of Islamic Studies ,2007.
- ISLAMIC CULTURE, NO 1, 2000
- Journal of semitic studies, Vo 19, 1974.
- Journal of semitic studies, vol. 42, No 2, 1997.
- NEAR ESTERN SRUDIES, No1, Vo1, 1942.
- Shi,i thought The teachings of Imam al - Baqir, Dr. Arzina Lalani, Institute for Ismaili Studies, September 2004.
- Shi'ism, Resistance and Revolution, edited by Martin Kramer, westview Press, U.S.A, 1987.
- STUDIA ISLAMICA, NO 70. 1989
- THE ANTIQUITY AND ORIGIN OF THE ISNAD, Josef Horowitz, Hadith Origins and Developments,ed: Harald Motzki.
- The Musannaf of Abd al - Razzaq al - Sanani as a source of Authentic Ahadith of the Fersit Century A.H.: Hadith Origins and Developments,ed: Harald Motzki, Sentürk Journal of Islamic Studies.2007.
- The opponents of the writing of tradition in early Islam," Arabica, vol. XLIV, no. 4, October 1997, pp. 437 - 530.
- The Psalms Of Islam,AS - SAHEEFATUL - KAAMILATUS - SAJJADEEYAH, Translated: William C. Chittick , Translators Introduction.

- The Twelve Shia in Modern Times: Religious Culture & Political Culture (Social, Economic and Political Studies of the Middle East and Asia, by Rainer Brunner (Editor), Werner Ende (Editor), Brill Academic Publishers, 2001.